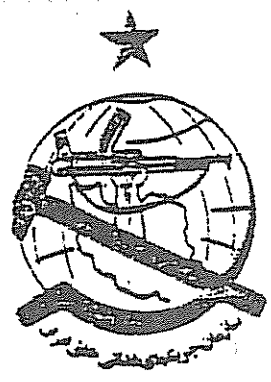


# خبرنامه

باید در جریان مبارزات توده‌ها،  
در هر شکل و سطحی که باشند،  
قرار دینت و آنرا ارتقاء داد!



سال دوم

چوبکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ: ۱۳۶۰ / ۲ / ۱۱

شماره: ۵۷

پیاپی ۳ و پیاپی

## گرامی بی‌اماد اول ماه مه روز جهانی

### کارگران

سرمقاله

#### درباره جنبش اول ماه مه

جنبش اول ماه مه نقطه اوجی در مبارزه طبقه کارگر آمریکا محسوب می‌شود. در آمریکا، صاحبان سرمایه با استفاده از ترکیب مصلی جمعیت زحمتکشان، شرایط تاریخی و طبیعی شکل گیری جامعه آمریکا، و بالاخره با استفاده از وسائل و طرق گوناگون کارگران را بسحو و حضا نه‌ای به کار و امیداشتند. شرایط بسیار بد کار، دستمزد نا برابر، در قبال کار مساوی برای زمان، استفاده از کار کودکان در قبال دستمزد بسیار پائین، ملحوظ داشتن رنگ پوست و مسائل نژادی در پرداخت مزد، پائین بودن سطح دستمزد ها، تقلیل مکرر آن از سوی سرمایه داران، سختی جرمه‌های سنگین به بیانه‌های مختلف سردستمزد ناچیز کارگران، و بالاخره طولانی بودن کسار روزانه، ختم و کسند طبقه کارگر را برانگیخته بود.

اما سرمایه داران تنها نایبند بسنده نکرده، تحریکات ضد انقلابی مورژوازی در سطح جهان نشان میداد که کارگران در جریان مبارزه طبقاتی و کسب تحرب و آگاهی مبارزاتی مبارزه بقیه در صفحه (۲)

#### جلاد خون می‌ریزد خلق بیامی می‌خیزد

جله ددمشاند رژیم به شهرهای مازندران  
در صفحه ۲۴

#### کارگران شرکت فسان از دو سال تجربه مبارزاتی خود سخن می‌گویند

شرکت (آنتروپور) سابق (فسان فعلی) شرکت ساختمانی است که کار ساخت و نصب امکلتیهای فیزی، بنادر و لوله کشی را انجام میدهد.  
بقیه در صفحه ۷

#### حمله پاسداران به

#### کتابخانه عمومی مارتیک

در صفحه ۲۵

#### گزارشی از مبارزان انقلابی

در صفحه ۱۶

## پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

## درباره جنبش اول ماه مه بقیه از صفحه (۱)

خود را بر علیه بورژوازی با قدرت بیشتری به پیش خواهد برد و او را محصور به عقب نشینی از مواضع قبلی خود خواهد نمود. به همین سبب سرمایه داران در آمریکا، شرایط بدکار را با اتحاد شرایط برای مبارزه طبقاتی مستقل طبقه کارگر تکمیل نمودند.

سرمایه داران در آمریکا، برای جیاول هرچه بیشتر و حفظ و حراست نظم جهانی سرمایه، با حمایت دولت و وضع قوانین ضد کارگری کوشش میکردند تا زمینه را برای مبارزه آشکار طبقه کارگر هرچه بیشتر محدود کنند. آنها علاوه بر وضع قوانین مذکور، در کارخانه ها دسته های جماعی و شلوغی ها ایجاد کردند. این دسته های اوپاش بدقت اوضاع و احوال کارگران را زیر نظر داشتند، کارگران حق درددل - کردن با یکدیگر را نداشتند. هر صدای اعتراضی با حماق و شلاق خفه میشد، و با منجر به اخراج و حتی قتل فرد معترض میشد. و بویژه کارگران آگاه و مبارز هدف اصلی اذیت و آزار این اوپاشان قرار می گرفتند. با اینکه قانون اساسی آمریکا، آزادیهای دموکراتیک را رسمیت شناخته بود، ولی در عمل کارگران از حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه های واقعی خود محروم بودند. و هرگونه کوششی در این زمینه با سرکوب شدید مواجه میشد، چراکه سرمایه داران از اتحاد و تشکل و بسط تجربه و آگاهی مبارزاتی کارگران میترسیدند و میخواستند سیر نحو ممکن مانع این امر گردند.

اما هرچاکه ظلم و ستم دگری هست، مبارزه نیز وجود دارد. شرایط سخت زندگی کارگران آمریکا را به مبارزه و امید داشت، و کارگران آمریکا علی رغم همه این محدودیتها و موانعی که بر سر راهشان میبود، علی رغم همه آن عواقب رنج آوری که مبارزه بر علیه سرمایه داران برای آنها داشت، برای کسب حقوق خود به مبارزه ای سخت علیه سرمایه داران برخاستند.

کارگران آمریکا از اواخر قرن هجدهم به مبارزه خود نیرو بخشیدند، و از اوایل قرن نوزدهم آنها با قدرت بیشتری به پیش رانندند. جنبش کارگران آمریکا برای کم کردن ساعات کار روزانه تقریباً از اوایل قرن نوزدهم آغاز شد. در آلمان جنبش کم کردن ساعات کار روزانه در همه جای دنیای بورژوازی جریان داشت. اما در آمریکا وضع کمی فرق میکرد. ساعات کار روزانه تا سه ساعتی فایده ای نبود. سرمایه داران کارگران را تا ۱۵-۱۶ و حتی ۱۸ ساعت به کار میکشیدند، بقول خود کارگران کار ار "بام تا شام" ادامه داشت. در چنین شرایطی بود که کارگران با عزمی راسخ جنبش کم کردن ساعات کار روزانه را پیش بردند. تجربیات گوناگون و مستقیم کارگران آمریکا در این مبارزه کارگران پیشرو را باین نتیجه رسانده بود که تنها در سایه اتحاد و تشکل سراسری و بزرگ میتوانند در مقابل سرمایه داران بمقابله برخیزند، و خواسته های خود را منطبق سازند. پس عناصر آگاه تر کارگران دست به دست هم داده و شروع با ایجاد زمیندهای لازم برای تاسیس یک اتحادیه سراسری کردند. "اتحادیه سراسری کارگران" محصول این کوشش بود، و همین اتحادیه بود که جنبش اول ماه مه را رهبری کرد. این اتحادیه در یکی از قطعه نامه های خود که در سال ۱۸۶۶ تصویب رسید، مبارزه برای کم کردن ساعات کار روزانه را در سلسله مبارزه خود قرار داد. در قطعه نامه چنین آمده بود:

"نخستین و بزرگترین ضرورت زمان حاضر برای رهائی کارگران این کشور از قید "سردگی

سرمایه داری" تصویب قانون ۸ ساعت کار روزانه در تمام ایالت های آمریکا میباشد، ما

همگی مصمم هستیم که تمام نیروی خود را تار و پودن به این خواست شکوهمند بکار گیریم"

و پس از بیست (۲۰) سال یعنی در سال ۱۸۸۶ کارگران آمریکا بدینال مبارزات حزبی و پراکنده خود، جنبش اول ماه مه را بوجود آوردند که خاطره آن تاکنون در خاطر کارگران سراسر جهان باقی مانده است. جنبش اول ماه مه، اگرچه حاصل و ثمره تلاش طولانی کارگران است، اما حوادثی که مستقیماً منجر به پیدایش آن شد از ۱۸۸۴ آغاز گشت. در سال ۱۸۸۴ رهبران اتحادیه های کارگری تصمیم گرفتند زمینه را برای یک جنبش سراسری کارگری در آمریکا آماده سازند، آنها قرار گذاشتند تا در مه ۱۸۸۶ یک دموکراتیک سراسری تشکیل دهند، و خواسته های خود را مطرح سازند، و از مقامات مسئول بخواهند تا این خواسته ها را برآورد سازند. بعد از قریب دو سال کار در میان کارگران، و جلب حمایت اکثریت محافظان و انجمن ها و جمعیت های کارگری برانجام در اول ماه مه، جنبش تظاهراتی با شکوه فراوان برگزار شد. قریب ۴۰۰۰۰۰ نفر در آمریکا در این تظاهرات شرکت کردند. سرمایه داران بوحشت افتادند. روزنامه های طرفدار آنها با تمام انرژی بر علیه "کمونیسم" و "سوخیا" به تبلیغ پرداختند، و تهدید کردند که

جد یک یک " سرخیا " را بر تیرهای برق خیابانهای شیکاگو آویزان خواهند کرد. اما کارگران تظاهرات خود را برپا کردند، پلیس به کارگران حمله ور شد و سه سوزی آنان تیراندازی نمود، عده‌ای کشته و عده‌ای زخمی شدند. کارگران باده‌ستهای خالی به دفاع پرداختند، و به رفقای زخمی خود کمک میکردند تا از میلکه جان سالم بدربرند، زنان و کودکان را از میدان حادثه بیرون میبردند. و خلاصه روح تعاون و همکاری خود را بنیابت نشان دادند. شب هنگام پلیس به خانه کارگران آگاه و رهبران اتحادیه‌ها، و عناصر فعال اداره کننده میتینگ حمله سرد، وعده زیادی را دستگیر نمود، حکومت شبه نظامی در شهر شیکاگو برقرار شد. پلیس بکمک اراذل و اوباش، جماقداران و شلول بندهای سرمایه داران تمام شهر را تحت کنترل گرفت. تمام شهر بصورت نیمه تعطیل درآمد. کارگران که عزم به مبارزه کرده بودند، برای اعتراض به کشتار و دستگیری رفقای خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در مقایسه با تظاهرات اول ماده گسترده تر بود. و تقریباً دو برابر شرکت کنندگان در تظاهرات در این اعتصاب شرکت جستند، در پی این رخدادها، برخی از رهبران اتحادیه در دادگاه شهر شیکاگو به محاکمه کشیده شدند و دادگاه شهر شیکاگو که آلت دست سرمایه داران بود، حتی برخی از عناصر آنرا سرمایه داران شهر تشکیل می دادند، جندتن از رهبران کارگران را به مرگ محکوم نمود، وعده زیادی را هم زندانی نمود. آنها به خیال خود میخواستند تا بدینوسیله درس عبرتی به کارگران بدهند. رهبران کارگران با سری افزاشته به پای دار رفتند و سرود خوانان به استقبال مرگ شتافتند، و بدین ترتیب نمایی از غرور و عزت نفس کارگری را به نمایش گذاشتند.

کارگران به تلافی این اقدام وحشیانه سرمایه داران مدتها اعتصاب خود را ادامه دادند. کم کاری در کارخانه‌ها رواج یافت. خبرهای مربوط به جنبش اول ماده در تمام ایالات آمریکا، و سراسر جهان پیچید. در همه ایالتهای آمریکا موج اعتراض نسبت به برخوردهای وحشیانه پلیس برخاست. وقایع ماه مه احساس همدردی بسیاری از کارگران سراسر جهان، از جمله آمریکا و عناصر و نیروهای دموکرات را برانگیخت.

کارگران شیکاگو به مبارزه و مقاومت خود ادامه دادند. در جریان این مبارزه پیگیر حقایق مربوط به توطئه‌های سرمایه داران و پلیس که برای درهم یاشیدن صفوف تظاهرات و کشتار کارگران انجام گرفته بود، کشف شد. کشف این حقایق به موج اعتراض گسترده‌تری بخشیده تا آنکه سرانجام ۸ ماه بعد از وقایع ماه مه، برای فرونشاندن تب و تاب کارگران و کنترل اوضاع، دادگاه تجدیدنظری تشکیل شد. این دادگاه صلاحیت دادگاه قبلی را رد کرد. و از زندانیان سیاسی " اعاده حیثیت " کرده و از آنها عذرخواهی نمود. اما مسئولین دادگاه قبلی را مورد مواخذه قرار نداد. اما بهر حال این حادثه به خاطر جنبش ماه مه برجستگی بیشتری بخشید، و در کارگران سراسر جهان احساس بیروزی بوجود آورد. اهداف جنبش اول ماه مه، که دو شعار هشت ساعت کار در روز، و حق ایجاد اتحادیه‌های واقعی کارگران از شمارهای برجسته آن بودند، بیک جنبش کارگران جهان تبدیل شد. کارگران اروپا و آمریکا همه با هم باین جنبش پیوسته و عشق بیشتری بدان بخشیدند. و تحت تاءثیر همه این مبارزات، و مبارزات بعدی آن بود که بورژوازی به بهبود شرایط کارتن داد و توانست جدیدی در این مورد متمویب رسید. در حال کارگران از پای ننشستند جنبش اول ماه مه، آغاز و ستربیک. مبارزه ستربیک برای آنها شد. کارگران آمریکا با هم سوگند خوردند که در دفاع از حق و حقوق خود سرسخت تر باشند و در مبارزه با سرمایه داری مصمم تر. آنها با احترام رفقای شهید خود، و برای زنده نگاه داشتن خاطره روز اول ماه مه، اینروز را بنام " روز یادسود شهدای طبقه کارگر " نامگذاری کردند. و به یاد این روز از آن پس هر ساله تظاهرات و قدرت نمایی کرده و خواست " هشت ساعت کار " را تعقیب نمودند.

در سال ۱۸۸۹ نماینده کارگران درکنگره انترناسیونال دوم شرکت جست و پیشنهادی به شرح زیر ارائه داد:

" از طرف کنگره، روز اول ماه مه هر سال، بخاطر کشتار کارگران شیکاگو بنام " روز جهانی طبقه کارگر " اعلام گردد. و در این روز کارگران تمام دنیا، در هر کجا که هستند بیسواد کشته‌شدگان، معدومان و زندانیان شیکاگو مجلس یادسوی تشکیل دهند و خواستهای کارگری خود را مطرح سازند. تمام کارگران در این روز میتوانند با تشکیل دادن میتینگ‌ها و دموستراسیون‌ها، اتحاد خود را محکم تر کنند و صفوف خود را گسترش دهند. برای بیشتر فتهای سال گذشته طبقه کارگر شادی کنند و جشن بگیرند و برای هدفهای آینده خود

برنامه ریزی کنند. خلاصه هر سال نمایی از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود. (۱) هم اکنون مادر آمریکا این روز را بنام " روز یادبود شهیدای قهرمان طبقه کارگر " نامگذاری کرده ایم و هر سال در مقیاسی وسیع تراز سال پیش این روز را گرامی می‌داریم. و در این روز کارگران آمریکا با هم سوگند می‌خورند که در دفاع از حق و حقوق خود سرسخت تر باشند و در مبارزه با سرمایه‌داری مصمم تر.

بیانیم این روز را بنام " روز طبقه کارگر " روز اعتراض به ظلم و سباده‌گری، روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه‌داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بین المللی زحمتکشان قرار دهیم. (۲)

این پیشنهاد به تصویب انترناسیونال دوم رسید. و در پی آن مورد استقبال کارگران قرار گرفت. کارگران اروپا و برخی نقاط دیگر با مبارزات بی‌گیر خود سندیج این روز را بعنوان " روز جهانی طبقه کارگر " تشبیت نمودند. گرچه بورژوازی همه کشورها کوشیدند تا از تحقق این امر جلوگیری کنند، ولی کارگران این خواسته خود را نیز با مبارزات خویش بر بورژوازی تحمیل نمودند. یکسال بعد، یعنی در اول ماه مه ۱۸۹۰ کارگران آمریکا تظاهرات وسیعی برای " هشت ساعت کار در روز " بر راه انداختند. کارگران آلمان اگرچه تحت فشار شدید بودند، اول ماه مه را جشن گرفتند. غلبه بر قسم تهدیدهای شدید بورژوازی، کارگران کشورهای اروپائی این روز را گرامی داشتند و بدین ترتیب همبستگی و برادری خود را با همزنجیران خود در دیگر نقاط جهان عملاً نشان دادند.

جنبش اول ماه مه، یکی از تجریبات مهم طبقه کارگراست، و بسیاری از جنبه‌های مبارزه طبقه‌ای کارگران را در خود تظاهر می‌بخشد. بهتر است در همین جا به برخی از این جنبه‌ها اشاره کنیم:

" اول ماه مه " تجسمی از عزم و پیگیری کارگران در مبارزه علیه دشمن طبقاتی است. در شرح وقایع اول ماه مه دیدیم که کارگران آمریکا برای کوتاه‌تر کردن روز کار، چه مبارزه طولانی را از سر گذراندند، مبارزه برای کوتاه‌تر کردن کار روزانه از اواخر قرن هیجدهم آغاز شد. در اوائل قرن نوزدهم و سیعتر و سازمان یافته‌تر شد و در دهه‌های آخر قرن نوزدهم با رنج خود رسید. و در این مدت یعنی قریب ۸۰ سال مبارزه کارگران، فراز و نشیب‌های مبارزه، پیروزیهای کوچک، شکستهای بزرگ، سرکوب‌های شدید از جانب بورژوازی، جریمه‌های سنگین، اذیت و آزار جماعت‌داران و تشلول بندها، سیکاری، محدودیت‌های قانونی، زندانها، هیچیک نتوانستند عزم راسخ کارگران را در دفاع از حقوق خود سست نمایند. جنس نسل از کارگران در این مبارزه شکوهمند بر علیه بورژوازی مبارزه کردند. و هر نسلی درفش خون آلود مبارزه را بدست نسل دیگر داد. بارهای بارکوششهای کارگران با شکست مواجه شد. اما آنها هرگز تسلیم نگشتند. آنها دوباره قدامت کردند، و با نیروی افزونتر از پیش به مبارزه خود ادامه دادند. این مقاومت و برادری، این صبر و شکیبائی مبارزاتی، از مهمترین جلوه‌های مبارزه طبقه کارگراست که تاریخ جنبش ماه مه بنحوی همه جانبه و بروشنی آنرا تصویر میکند.

ما دیدیم که در سال ۱۸۶۶ شورای مؤسسان اتحادیه سراسری کارگران قطعنامه زیر را تصویب نمود.

" نخستین و بزرگترین ضرورت زمان حاضر برای رهائی کارگران این کشور از قفس " بردگی

سرمایه‌داری "، تصویب قانون هشت ساعت کار روزانه در تمام ایالت‌های آمریکا میباشد،

ما همگی مصمم هستیم که تمام نیروی خود را تار رسیدن به این خواست شکوهمند به کار بگیریم. "

و مشاهده کردیم که بیست سال بعد، یعنی در سال ۱۸۸۶ جنبش اول ماه مه با همه قدرت خود باز هم نتوانست به این خواست حاکم عمل بیوشاند، معذالک کارگران از این همه ناکامیها مأیوس نشدند و سینه پیکار خود ادامه دادند. تا آنکه سرانجام توانستند نه تنها قانون هشت ساعت کار روزانه را تصویب کنند، بلکه شرایط عالیتری را در محیط کار بوجود آورند.

امروز، حتی در بسیاری از کشورهای تحت سلطه نیز قانون هشت ساعت کار روزانه حداقل بعنوان حقوق قانونی کارگران به حساب می‌آید. آنچه که اکنون برای نسل جدید طبقه کارگر یک حق بدیهی و مسلم بنظر میرسد، حاصل دهها سال مبارزه عظیم و پرشکوه و خونبار طبقه کارگر است.

وقایع تاریخی، از جمله وقایعی که ماجر به جنبش اول ماه مه شد، و خود حوادث و نتایج جنبش

( ۱ ) - تاء کید از ما است .

( ۲ ) - نقل از " روز اول ماه مه روز کارگر چگونه پیدا شد " جمع‌آوری و نوشته محمد عتیق پور

اول ماه مه نشان میدهند که مبارزه کارگران برعلیه سرمایه، مبارزه ایست سخت و طولانی، و زمانیکه کارگران عزم برانداختن نظام سرمایه‌داری را میکنند باید رنجهای فراوانی را تحمل نمایند. و در این راه هرکوشی‌اوجه با تکست‌مواجه شود، جد با بیروزی، زمسته باز شرایط عالیتری برای بسط و گسترش مبارزه طبقاتی علیه سرمایه‌داری است و این فرصتی است که تاریخ با و بخشیده‌است. به همین جهت اول ماه مه، از جمله فرصتهای برجسته‌ایست که کارگران ما کارنامه مبارزه هم‌زمانی خود را مرور کنند، و با آگاهی یافتن بر مشکلاتی که برای رسیدن به آزادی و رهایی خود باید تحمل کنند، روح خود را صیقل دهند، و با عزمی راسخ‌تر از پیش، در صحنه نبرد برعلیه نظام "ظلم و بی‌دادگری" قدم‌های خود را بردارند. کارگران باید این حقیقت را بخوبی دریابند که برای دستیابی به فدائیان روشن، باید از مسیری بگذرند، کسه خاک‌آب از خون سرخ فدائیان‌ترین، پرشورترین و آگاه‌ترین رفقای او تشکیل می‌شود.

کارگران شیکاگو همراه با کارگران دیگر نقاط جهان روز اول ماه مه را به نمایش از عزم و پیگیری پرولتاریا در مبارزه علیه سرمایه تبدیل نمودند. آنها به خاطر روز اول ماه مه سوگند خوردند کسه هر ساله در اول ماه مه بیاد شهدای قهرمان طبقه کارگر از حق و حقوق خود سرسخت‌تر دفاع خواهند کرد، و در مبارزه با سرمایه‌داری مصمم‌تر خواهند بود. آنها گفتند بی‌شاید روز اول ماه مه را به روز نشان دادن حقانیت کارگری تبدیل کنیم. آنها گفتند که بی‌شاید در روز اول ماه مه بخاطر پیشرفت مبارزه علیه سرمایه‌داری جشن بگیریم. آنها بخاطر نشان دادن حقانیت کارگری، بخاطر احترام به شهدای قهرمان خود، سالها خاطر روز اول ماه مه را با اعتصابات وسیع، تظاهرات پرشکوه زنده نگه‌داشتند، و امروز پس از گذشت قریب به یک قرن "روز اول ماه مه" هنوز هم الهام بخش کارگران رزمجو برای مبارزه برعلیه سلطه جابرانه سرمایه‌داری است.

بنا بر این روز اول ماه مه، برای کارگران انقلابی و برای همه کارگرانی که تحت ستم سرمایه‌داری می‌کنند، روز استراحت و تفریح نیست بلکه روزیست که باید خشم و عصیان طبقاتی و عزم و پیگیری مبارزاتی خود را برعلیه دشمنان طبقاتی خود در مقیاسی وسیع به نمایش بگذارند.

دیگر اینکه روز اول ماه مه، نشانی از ددمندی سرمایه‌داران است. در شرح وقایع جنبش اول ماه مه دیدیم که سرمایه‌داران در آمریکا بدهجه نحو وحشیانه‌ای کارگران را مورد استثمار قرار میدادند. در حالیکه زمان کار روزانه تا ۱۵ - ۱۶ و حتی تا ۱۸ ساعت طول میکشید، دستمزدها چیزی به کارگران می‌پرداختند. با انواع حیل کوشش میکردند تا همین دستمزدها را نیز کاهش دهند، با تقسیم بندیهای من-درآوردی، از قبیل مسائل نژادی، اصل و نسب، غیره و غیره کارگران را تحت فشار هرچه بیشتر قرار میدادند. زنان با کار مساوی، بدلیل زن بودن از دستمزده کمتری نسبت به مردان برخوردار بودند. کودکان خردسال را وحشیانه بکار و میداشتند. با وضع جریمه‌های سنگین جان کارگران را بلبل رسانده بودند. و در همین شرایط زندگی که از شرایط زندگی یک حیوان نکست بارتر است، هر صدای اعتراضی را با کمک چماق‌داران، شلول بندها، و دستگاههای دولتی خفه میکردند.

دیدیم که سرمایه‌داران در اول ماه مه، و بعد در ۲ ماه مه، با شوطه و دسیسه به تظاهرات کارگران حمله نمودند، آنها را اکتشار کردند، برخی از رهبران آنها را دستگیر نموده بسوی جوسه دار روانه نمودند. همه اینها نشان میدهد، که سرمایه‌داران، هرکس که باشد جز بیک چیز یعنی انباشتن حیسب خود فکر نمیکنند.

امروز که کارگران برخی از کشورهای در شرایطی مفروض، و در پرتو قرنهای مبارزه خونبار طبقه کارگر توانستند امتیازاتی کمبکنند، و شرایط کار و تاحدودی شرایط اجتماعی زندگی خود را بهبود بخشند، سرمایه‌داران دون صفت و مکار، کوشش میکنند تا چنین وانمود سازند که خود بدست خویشتن اینها را داد و طلبانه به کارگران هدیه کرده‌اند و اپورتونیستهای خاش نیز کوشش میکنند تا در شرایط مختلف و با وسائل مقتضی پست‌نمایی سرمایه‌داران را لاپوشانی کنند و کارگران را به همکاری و مصالحه با سرمایه تشویق کنند.

هم اکنون در میهن ما، توده‌های و اکثریتهای خائن سنج برجسته‌ای این وظیفه شوم را انجام میدهند.

تاریخ جامعه سرمایه‌داری، تاریخ جنبش طبقه کارگر در سطح جهان و از جمله تاریخ جنبش اول ماه مه این حقیقت را بروشنی نشان میدهد که هیچگاه سرمایه‌داران داد و طلبانه به کارگران امتیاز نمیدهند، بلکه برعکس همواره تا آخرین حد ممکن و با تمام وسائل لازم در مقابل خواسته‌های برحق کارگران ایستادگی

خواهند شد کرد.

جنبش اول ماه مه با دیگر این حقیقت را ثابت میکند که دولت جامعه سرمایه داری از سرمایه داران حمايت میکند، نه از همه طبقات جامعه. بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه داران چنین وانمود میسازند که دولت حافظ منافع طبقات تشکیل دهنده جامعه هست، جنبش اول ماه مه، همچون بسیاری از دیگر وقایع تاریخی نشان میدهد که همه دستگا های دولتی در جامعه سرمایه داری در خدمت سرمایه دارانند، نشان میدهد که چگونه ارگانهای سرکوب دولت برای قتل عام کارگران آماده اند، نشان میدهد که چگونه دستگا های قضایی برای محکوم کردن کارگران شتابزده عمل میکنند و در مقابل سرکوب سرمایه داران برده میکنند و سرمایه - داران قاتل را آزاد میگذارند تا همچنان اعمال ضد انسانی خود را پیش ببرند.

از همه این واقعیات چه نتیجه ای بدست میآید؟ بزرگترین نتیجه آنست که کارگران برای بهبود وضع زندگی خود نمیتوانند از سرمایه داران سفاک و دولت حامی او انتظار داشته باشند تا در مقابل حقوق حقه آنها با وظایف نامرغوب بپردازند، بلکه کارگران تنها با استکاء به نیروی عظیم خود و متحدینش میتوانند خواسته های خود را جامعه عمل ببوشانند. تنها قاضی بین کارگران و سرمایه داران، اراده واحدی است که میتواند کارگران را از گریزها و حاد و پیگیر طبقه کارگر، و متحدینش وجود داشته باشد، حتی یک ماده از قوانین جامعه سرمایه - داری بشفق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نخواهد بود.

طبقه کارگر تنها با نیروی سازمان یافته خود، و با اعمال فشار و مبارزه برای اراده خلیل ناپذیر خویش و در اتحاد با دیگر طبقات محروم جامعه است که میتواند اراده خود را بر سرمایه تحمیل کند.

و دیگر اینکه تاریخ جنبش طبقه کارگر، از جمله جنبش اول ماه مه و وقایع بعدی نشان داد که طبقه کارگر جز با کسب قدرت سیاسی و درهم ریختن نظم سرمایه داری و ایجاد مناسبات نوین نمیتواند موفق به رها سازی از قید سرمایه شود.

و سرانجام اینکه جنبش اول ماه مه لحظه تحقق یکی از شعارهای بزرگ کمونیستهاست. قریب ۴۰ سال قبل از جنبش اول ماه مه آموزگاران کبیر ما، مارکس و انگلس شعار " کارگران سراسر جهان متحد شوید " را زینت بخش صفحه اول رساله تاریخ ساز خود یعنی " مانیفست " نمودند. جنبش اول ماه مه، و بلافاصله پس از آن، پیگیری پرولتاریای سراسر جهان برای تحقق شعار با عنت گذاردن روز و قانونی شدن حق تشکیل اتحادیه های کارگری این واقعت را سمبته نشان داد که کارگران ملت های گوناگون علیرغم همه اختلافات طبیعی ممکن، در شرایط کم و بیش یکسان اجتماعی زندگی میکنند و برای منافع اساسی یکسان می باشند.



اکنون قریب یک قرن است که از جنبش ماه مه کارگران آمریکا میگذرد. و پرولتاریای جهان چندین تجربه - به تاریخی بزرگ دیگر را از سر گذرانده است. معذالک روز اول ماه مه نه تنها اهمیت خود را از دست نداد، بلکه همچنان بعنوان " روز جهانی طبقه کارگر "، مورد قبول کارگران سراسر جهان است و در قرن ما بخصوص

بقیه در صفحه ۲۶

**اول ماه مه، روز همبستگی  
جهانی کارگران را گرامی  
بداریم.**

مستحکم باد پیوند کارگران و زحمتکشان با  
جریکهای فدائی خلق ایران

جریکهای فدائی خلق ایران - مارندران - ۶/۲/۵۵

شماره ۲۳

### کارگران شرکت فسان از دستاورد و مسائل تجربه مبارزاتی خود سخن میگویند

بقیه از صفحه (۱)

مدیریت این شرکت را فرامرز قائم مقامی و ایرج شفاثیان بعهده دارند.

شرکت (آنتروپوز) در سال ۱۳۳۴ شمسی در تهران تاسیس گردید که مستقیماً " زیر نظر مرکزیت این شرکت در کشور فرانسه اداره میشد. کار این شعبه در تهران نصب داربست فلزی ساختمان بود. اما بعداً " در نتیجه گسترش سرمایه گذاری های امپریالیستی، شرکت (آنتروپوز) در ایران به بستن قراردادهایی از قبیل لوله کشی نفت و گاز اقدام کرد. مانند خط سراسری گاز جنوب به شوری، لوله کشی های عظیم نفتی در مناطق نفت خیز و همچنین لوله کشی زبرآب نفت بین جزایر خارک و لاوان و غیره بود.

بعدها کد رژیم شاه در سال ۱۳۵۱، قانونی وضع کرد مبنی بر اینکه شرکت های خارجی باید سهام خود را به ۴۹٪ تقلیل داده و ۵۱٪ باقی را به سرمایه داران ایرانی واگذار کنند، اجرای این لایحه شامل شرکت (آنتروپوز) نیز شد و فرانسویان ظاهراً " ۵۱٪ از سهام خود را به قائم مقامی و شفاثیان که از کارمندان عالی رتبه شرکت بودند با صلاح فروختند. در سال ۱۳۵۴ شرکت نام خود را به فسان تغییر داد و به بستن قرارداد های بزرگ لوله کشی گاز و نفت پرداخت و از سال ۵۴ تا ۵۷ قراردادهای عظیم لوله کشی گاز به اسم (آنتروپوز) و با ماشین آلات شرکت فسان از قبیل لوله کشی گاز سرخس و نکا، با دولت بست.

در اواسط سال ۵۷ با او جگیری جنبش توده ای، مدیران شرکت دست به اخراج دسته جمعی کارگران و کارمندان زدند. شرکت در آن زمان فقط در بخش ساخت و نصب اسکلت فلزی فعالیت میکرد و حدود ۲۷ نفر کارگر و کارمندان داشت. در بهمن ماه ۵۷ فقط تعداد معدودی از کارگران را برای انجام ۲۰ تن کار باقی مانده نگهداشته بودند که قرار بود بعداً تمام کار آنها را نیز اخراج کنند. (شرکت در سال ۵۵-۵۶ مجموعاً ۱۸ هزار - ارتن کار انجام داده بود.)

بعد از ۲۲ بهمن ۵۷، بر اثر اخراج های بی رویه، کارگران دست به اعتراض بر علیه ظلم و ستمی که کارفرمایان بر آنان روا میداشتند، زده و برای احقاق حقوق خود به وزارت کار مراجعه کردند، اما از آنجا که این وزارتخانه نه برای دفاع از منافع کارگران بلکه برای فریب و سرکوب کارگران و دفاع از منافع سرمایه داران بوجود آمده بود، به کارگران وعده سرخرمن داده و رسیدگی به مشکلات آنان را به سه ماه بعد موکول می کنند. کارگران که از وزارت کار نتیجه ای نگرفتند، دست به دامان " کمیته مرکزی انقلاب اسلامی " شده و کمیته هم با یک عمل انقلابی!!! رسیدگی به خواسته های کارگران را به یک ماه بعد موکول میکند. بالاخره در اشراف ریکیا رچه کارگران به وزارت کار و کمیته، نمایندگان وزارت کار در تاریخ ۲۷/۱۲/۵۷، برای حل مشکل کارگران (درواقع کارفرما) به دفتر مرکزی شرکت آمده و مشکل کارگران را با تصویب عهدنا مه که تمام و کمال در جهت منافع کارفرماست، حل مینمایند!!

بعنوان مثال ماده ۱۳ این عهدنا مه که در باره چگونگی پرداخت حق اخراج کارگران میباشد، چنین است:

الف: تا سه سال خدمت هر سال ۳۰ روز آخرین پایه حقوق

ب: ۳ تا ۶ سال خدمت هر سال ۳۵ روز آخرین پایه حقوق

ج: ۶ تا ۹ سال خدمت هر سال ۴۰ روز آخرین پایه حقوق

د: ۹ سال به بالا خدمت هر سال ۴۵ روز آخرین پایه حقوق

اگر توجه داشته باشیم که با خرید کارگران از ۹ سال بعد ثابت و همان ۴۵ روز در نظر گرفته شده است، در حالی که اکثر کارگران سابقه خدمتی آنها از ۹ سال به بالا میباشد، میتوان پی به ماهیت ضد کارگری این عهدنا مه برد. زیرا کارگری که مثلاً سابقه کارش به ۱۵ سال میرسد، و در این مدت کارفرما، شیرجه جانش را مکیده و اکنون او را با مان خدا رها میسازد، دیگر مثل سابق نیروی کافی برای کار نخواهد داشت.

کارگران بعد از آن که از دولت جمهوری اسلامی خیری ندیدند، خود وارد عمل شده و در روز ۵/۱/۵۸ سه دفتر مرکزی شرکت فسان در خیابان آنا تول فرانس رفته و دست به تحسین و گروگان گیری زدند که ۷۲ ساعت بطول انجامید. همان شب اول تحسین سیاهامگان (ازباندهائی است که امپریالیسم برای سرکوبی زحمتکشان بوجود آورده است) برای رها نیدن سرمایه داران به محل تحسین یورش آوردند که با صفوف یولادین کارگران روبرو شده و مجبور به عقب نشینی میگردند که جز روسیاهی خود را با نشان سود دیگری نداشت. شب دوم در ساعت ۲ بعد از نیمه شب افراد کمیته منطقه برای اجرای مقاصد سلامیشان (آزاد کردن سرمایه داران از جنگ کارگران) میخواستند تا تهدید یکی از دانشجویانی که همراه کارگران بود، محل تحسین رخنه کنند، اما کلکشان نگرفت و کارگران متوجه قضیه شده و دست جمعی بیاسداران حمله کرده و همه آنها را خلع سلاح میکنند و







در اشرافش کار -  
 فرما برای فروش بقشه آهن آلات و مواد اولیه در تاریخ ۵۸/۸/۶ کارگران با ردیگردست بسته تحصن و گروگانگیری زدند. کارگران سر روی درب ورودی دفتر مرکزی سوخته بودند که: "سرای حل مسئله مافقط دادستان کل حق ورود به محل تحصن را دارد."

دو ماهه این اعتراضات بود که رسماً سده داستان ناگزیر گردید در تاریخ ۵۸/۸/۷ به دفتر مرکزی آمده و پس از گفتگوی زیاد حکمی به شماره ۵۳۵۹ مورخ ۵۸/۸/۷ بکار گران بدهد.

شماره ۱۳. بموجب این حکم کارگران مستوا - نستند در کلیه امور مالی شرکت و نظارت مستقیم داشته باشند. البته در حکم فوق تصریح شده بود که در هیئت اجرائی بکنفرهم با بد از طرف دادستانی حضور داشته باشند که این نمأ بنده دادستانی هیچگاه شرکت نیامد و همبن امر، بیانه ای برای کار فرما شد تا آن حکم را با قدرزش اجرائی بدارند. این کشمکشها ادامه داشت تا آنکه در تاریخ ۵۹/۱/۲۵ لغو حکم فوق طبق نامه شماره ۴۸۵۸۲ به کارگران اصلاح گردید و بنا بر این حکم دست کار فرما برای فروش مواد خام پیش از پیش باز شد.

**دانشتانی کل**  
 انقلاب جمهوری اسلامی ایران  
 شرکت مسان

تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۱۷  
 شماره: ۵۳۵۹

بموجب این حکم افراد ذیل بعنوان هیئت اجرائی در کلیه امور آن شرکت انتخاب و معرفی میگرددند و وظایف آنان رسیدگی به کلیه امور، جلوگیری از نفوذ خرینج اخلال و اصال ضد انقلاب و سایر بریدن میزان تولید، ایجاد صمیمیت بین همکارا و مدیران شرکت رسیدگی به کلیه اسناد و مدارک شرکت و ایجاد تسهیلات بمنظور ایفای حقوق حقه کلیه کارکنان و پاکسازی محیط شرکت از افراد متخلف و اخلالگر و ضد انقلابی و صدور هر نوع اسناد و اوراق تمهید آور و مطالبات که باید بکن آنها از بدین مامل شرکت و بقیه امضا از مضمومتختب ضرراً و به طور کلی قبول همه نوع مسئولیت در راه رفاه کارکنان شرکت اینک هیئت اعظم هیئت با توجه باصالت انقلاب اسلامی مند انه و عند الرسول به وظائف خود عمل نموده تا همه کارکنان و مدیران در رفاه نسبی برخوردار شوند.

اعضای هیئت عبارتند از: ۱- آقای سید مرتضی حسینی ۲- آقای منطبا توکل ( اعضای منتخب شورای اسلامی کارکنان ) ۳- آقای ابرج شفاپان ۴- آقای فرامرز قائم مقامی ( مدیران شرکت )

همنا نماینده دانشتانی در نامه جداگانه معرفی خواهد شد

معاون دادستان انقلاب اسلامی استان مرکز

شماره ۱۳۵۷

تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۱۷  
 مهر: مازندران  
 آقای: ترشیدی

**دانشتانی کل**  
 انقلاب جمهوری اسلامی ایران  
 شرکت مسان

تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۱۷  
 شماره: ۴۸۵۸۲

بموجب این حکم سراسر باطله اعلام میگردد و است راجع به اماره شرکت و مدیران و سایر موارد و مضرات قانون تجارت و سایر مقررات مصوبه و اساسنامه صادره اقدام نمود.

معاون قضائی دادسرای انقلاب اسلامی ایران

شماره ۴۸۵۸۲

تاریخ: ۱۳۵۸/۸/۱۷  
 مهر: مازندران  
 آقای: ترشیدی

در طی این مدت حدود ۵۰ تن از کارگران ستردیج مزایای خود را بر مبنای سالی ۴۵ روز گرفته و رفتند. اما بقیه کارگران که حدود ۲۲ نفر میشدند، همچنان مصمم در سنگرمبارزه خود ماندند. در این گیرودار بود که بخشنامه‌ای از طرف شورای انقلاب مبنی بر بلابردن پایه حقوق از ۲۱۰ ریال به ۵۸۶ ریال که حاصل مبارزه کارگران بود، صادر گشت. کارفرما از اجرای مفاد این بخشنامه بدین دلیل که کار نیست، بول ندارد و غیره، طفره میرفت و میگفت که ما توجیه این وضع شما هم که از فروش چند کیلو آهن!! جلوگیری میکنید. کارگران توانستند با مبارزه بی‌گیرا ضافه حقوق تصویب شده را از کارفرما بگیرند. البته این وجوه را از شرکتها شدی که به شرکت مسان بدهکار بودند و توسط دولت ممانده شده بودند، دریافت میشد، زیرا که شرکت مسان در این رابطه حدود ۳۵ میلیون تومان از دولت طلب داشت.

با تشکیل شورای کارگری و قدرت گرفتن آن، کارفرما بفرک افتاد تا از کارمندان شورائی درست کرده و آن را در مقابل شورای کارگری قرار دهد، اما آگاهی نسبی کارمندان این نقشه کارفرما را که تشکیل شورای فرمایشی بود، نقش بر آب کرد.

در اردیبهشت ماه ۵۹، کارگران بعلت دریافت نکردن حقوق فروردین دست به تیرگی زدند. گرانگاری مدت ۴۸ ساعت بطول انجا میدوید و سرانجام نماینده‌ای از جانب رئیس جمهور رسن کارگران آمده که میخواست با عوامفریبی و تحمیق، کارگران را وادارند تا دست از تحمّن برداشته و گرانها را آزاد نمایند. اما تجربه مبارزاتی کارگران به آنان نشان داده بود که شیرین سخنی نمایندگان دولت شکم زن و سجه آنان را سیر نمیکنند و در ضمن در طول مبارزه خود از این حرفها زیاد شنیده بودند و دیگر ما هیت ارگانهای دولتی مثل وزارت کار، نماینده رئیس جمهور و غیره برایشان آشکار شده بود، فریب نماینده رئیس جمهور را نخورده و سر خواسته‌های خودپای فشاری نمودند، نماینده رئیس جمهور تحت فشار کارگران قول داد که در جهت پرداخت حقوق معوقه کارگران و طلب شرکت از دولت کوشش کند و در مورد فعال کردن شرکت نیز در حد توانائی خود عمل کند. بالاخره کارگران در اشرم رزات خود حقوق معوقه خود را دریافت کردند.

یکی دیگر از حیل‌های کارفرما برای تعطیل شرکت این بود که در مناقصه‌های دولتی مثل مناقصه مدرسه عالی معدن و همچنین مناقصه شرکت واحد شرکت مکر دولتی چنان قیمتی برای مناقصه‌بیشنها دمیکرد که هیچ‌گاه برنده نمی‌شد.

مدیران شرکت که از ابتدا قصد تعطیل کردن این واحد عظیم صنعتی را داشتند، مشاهده کردند که اگر وضع بدین منوال پیش رود، محبور خواهند بود که کارخانه را تحویل کارگران داده و خود از میدان کناره‌روند. بنا بر این دست به توطئه جدیدتری زدند، بدین ترتیب که شرکت سینتا حدود ۱/۳ میلیون تومان از شرکت مسان طلب داشت و بنا به توافق مدیران هر دو کارخانه قرار بر این شد که سفته‌های و اخوانی به دادگستری ارجاع و در نتیجه حکم توقیف شرکت مسان و مسدود شدن حسابهای آن شرکت از طرف دادگاه شماره ۵ تهران تحت شماره ۴۲۸/۵۹ مورخ ۵۹/۷/۱۵، صادر گردید.

شرکت مسان با وجود دهها میلیون تومان ماشین آلات و زمین و ساختمان ۱۳ طبقه در خیابان فاطمی و غیره به ناگهان برای ۱/۳ میلیون تومان شرکت توقیف میشود! و غالب اینهاست که وقتی ما موران دادگستری برای بستن کل حساب شرکت در تاریخ ۵۹/۸/۱۸، بدفتر مرکزی آمده بودند، مشاهده کردند که دفتر کل شرکت موجودی‌ای به مبلغ ۱۳/۷ میلیون تومان را نشان میدهد!!! و این در حالی است که کارگران حدود سه ماه بود که حقوق دریافت نکرده بودند.

شورای کارگران برای ابطال حکم فوق با کارمندان آگاه و پیشرو در جلسه‌ای تصمیم گرفتند تا با مراجعه به مقامهای ذیصلاح، شرکت را از حالت توقیف درآورده و فعال نمایند. لذا ۱۵ نفر از رسن کارگران و کارمندان انتخاب شدند تا موضوع را پیگیری نمایند. اولس نامه راه دفتر پیشنی فرساده و در آن ماجرای شرکت مسان و شبانی دوسرما به دارا نوشتند. بهشتی موضوع راه و رسید دادگستری ارجاع کرد. درستی که بین وزیر دادگستری و مدیرکل اداره ورزشکستی آقای مخری و مشاور حقوقی صنایع و معادن آقای سوری جهت حل موضوع لغو حکم و فعال شدن شرکت انجام شد که بعد از یک ساعت کارفرما با شرکت را سر به حسد فرستادند. نتیجه آن شد که آقای سوری مشاور حقوقی صنایع و معادن با کمال وقاحت و انحس سررسا میروند

**اتحاد، اتحاد - کارگران اتحاد**

مدیران شرکت میکنند و میگوید: "شما سیباست در همان روزهای اول کلک کارگران را میکنند و اخراجشان میکردید، نه اینکه ۲۲ ماه بول مفت به این گردن کلفتها می دادید که حالا هم شاخ شما شوند!!". ز طرفی صد کارگاههای رازیوش و وزارت صنایع و معادن میگیریم که بیش از ۳۰۰۰ نفر کارگر داشته باشند، نه کارگاهیکه ۲۲۰ نفر کارگر دارند. یکی از مدیران در جواب گفت: "اگر ما حالا بخواهیم کارگران را اخراج کنیم، ممکن است در اثر فشار یکی از کارگران دست به خودسوزی بزنند و برای ما اسباب دردسر شود که آقای نوری بسا کمال بیشرمی و وقاحت میگوید: "اگر کسی خواست خودسوزی کند بفرستید تا خودم بنزین بیاورم".

کارگران اگر نمی دانستند وزارت دادگستری و عالیجنابان!! گرداننده آن برای رسیدن به دادسرا - به داران وابسته به امیرالایم موجود آمده، خود به تجربه دریا فتند که از وزارت دادگستری جمهوری اسلامی هم خبری به کارگران نمی رسد که هیچ، بلکه مرکزی برای توطئه علیه مردم زحمتکش ماست.

کارگران که از وزارت دادگستری نتیجه ای نگرفتند، در تاریخ ۵۹/۹/۱۱، نامه ای به دفتر ریاست جمهوری فرستادند و بعد از مدتی معطلی مشاور صنعتی رئیس جمهوری آقای درویش کارگران را پذیرفت، آقای درویش از همان ابتدا شروع به تضعیف روحیه کارگران کرد و پس از خواندن نامه کارگران با استناد ماده ۳۳ قانون کار آریا مهری حق را به مدیران کارخانه داد، در این موقع بود که کارگران به خشم آمده و دسته جمعی به او اعتراض کرده و گفتند که ما شاه را به زیبا لهدانی تاریخ انداختیم، شما هنوز قانون آن ملعون را برای خود مقدس می شنارید؟ آخرین برای شما سنگ است که اسم خود را انقلابی هم گذاشته اید و با بر روی خسون ۷۰ هزار شهید و ۱۰۰ هزار مجروح میگذارید؟ با سنگ آمدن قافیه درویش گفت: "حراسا میگویید، خودتان بروید به مجلس شورای اسلامی این حرفها را بزنید، تا زمانی که قانون جدیدی تدوین نشده، قانون قدیم برای ما مقدس است!!" من ۲۵ سال عمر را در وزارت کار گذرانده ام و بسند قانون کار را بلدم!!!

در اینجا کارگران تجربه دیگری درس گرفتند و آن این بود که رئیس جمهور نیز رئیس جمهوری ساخته و پیر - داخته دست امیرالایم است و توی سر و کله هم زدن رئیس جمهور و بهشتی (حزب جمهوری) نه بخاطر زحمتکشان بلکه برای منافع حقیر خودشان است.

کارگران که از دفتر ریاست جمهوری نیز خبری نداشتند، بار دیگر نامه ای به وزارت صنایع و معادن نوشته و خواستار آن شدند که آن وزارت خانه، کارخانه را تحت کنترل خود گیرد. میرزاخانی مشاور صنعتی و نعمت - زاده وزیر صنایع و معادن وعده هایی به کارگران دادند که بنا به درخواست آقایان و تحت فشار کارگران مدیر - بیت حاضر در نامه ای به وزارت صنایع و معادن بنویسد و کارخانه را به دولت واگذار کند که همه اینها برای فریب کارگران بود. کارگران که در جریان مبارزات خود از این حرفها زیبا شنیده و عملی ندیده بودند، در وزارت صنایع شروع به داد و بیداد کردند و خواستار رسیدگی به مشکل خود شدند، بعد از چند ساعت درگیری کار - گران با دیدن نوری این نوکر سینه خاک سرما به داران وابسته به امیرالایم بخشم آمدند و کارگاههای رسید که نزدیک بود او را از طبقه سوم به زیر پرت کنند که با دخالت معاون وزیر موضوع خاتمه یافت.

کارگران دوباره به "بهشتی" نامه ای نوشته و خواستار ملاقات حضوری با وی شدند، پس از چندین ساعت سرگردانی در دادگستری، رئیس دفتر بهشتی به نمایندگان کارگران اطلاع میدهد که ایشان (بهشتی) نمی تواند شما را ببیند و شما فقط میتوانید وقتی ایشان را در حال بیرون رفتن از کاخ وزارت دادگستری ملاقات کنید و با ایشان صحبت کنید. این سرخورد سرکار کارگران گران آمد و با صدای بلند شروع به اعتراض کردند، و چنان سروصدائی راه افتاد که تقریباً اکثر کارمندان از اتاقهای خود خارج شدند و به طبقه ای که نمایندگان کارگران آنجا بودند، آمدند. ولی از قرار گوشه ای آقای بهشتی برای شنیدن اعتراضات بحق زحمتکشان ماکراست و ایشان از اتاق خودشان مثل موش از ترس گریه، از سوراخ خود خارج نمیشد و بیرون نیامد. بعد از ۱۵ دقیقه بهشتی با سه معاف مسلح از اتاق خود خارج شد و در مقابل سئوالات مکرر کارگران فقط گفت که: "گفتم به کار شما رسیدگی شود". کارگران از این شیوه برخورد بخشم آمدند و زمانی که بهشتی وارد آسانسور میشد، یکی از کارگران فریاد زد برویم، در اینجا تنها از منافع سرما به داران دفاع میکنند.

کارگران بار دیگر به مدیرکل امور ورشکستگی مراجعه میکنند که با زهمان جوابها را دریافت میکنند. کارگران که از این نامه نگاری ها و مراجعات مکرر نتیجه ای نگرفتند، خود را با اقدام کرده و برای رسیدن به خواسته های خود در تاریخ ۵۹/۹/۱۷، دست به تحمیل و گروگان گیری زدند و طی قطعنامه ای خواستار جبران مزا برای هر سال سنوات خدمتی در صورت اخراج و پیوسته وضع بیمه کسانی که نزدیک به ۲۰ سال سابقه خدمت دارند، بودند تا بتوانند با استفاده از قوانین دولتی از حقوق بازنشستگی استفاده کنند در جریان آخرین

گروگانها نگیری بعضی از کارمندان مبارزان نیز دوش بدوش کارگران در مبارزه شرکت داشتند. کارگران بعد از بدگروگان گرفتن کل هیئت بدیره و کشمکش و درگیری های بسیار توانستند به قسمتی از خواسته های خود دست یابند و سرانجام موفق شدند که سه ماهه مزایا به ازای هرسال خدمت گرفته و وضعیت بیمه خود را بهبود بخشند.

### رفقای کارگران!

مبارزات طولانی کارگران مبارز شرکت فسان برای گرفتن حق خود نکات آموزنده بسیاری دارد که می توان از آن درس گرفت. بعضی از آن نکات را در اینجا ذکر می کنیم: کارگران مبارز شرکت فسان در جریان مبارزه خود در بافتند که هیچیک از کارکنان و مسئولین دولتی نه تنها قدمی در جهت منافع کارگران سر - نمیدارند، بلکه همواره مشغول توطئه بر علیه زحمتکشان ما میباشند. آنها در بافتند که تنها با اتکا به زور است که می توان قسمتی از حقوق خود را در بافت و تنها با قهر انقلابی است که می توان دشمن خلق را بزانو درآورد، رفقای کارگر در جریان مبارزه خود در بافتند که پلیس و پاسدار ارتش تنها برای سرکوبی زحمتکشان بوجود آمده اند و هر جا که کارگران برای خواسته های خود میباشند، فوری با سرکوب ضد انقلابی آنان مواجه شدند.

اما رفقای کارگر نباید تصور کنند همینکه به بکسری خواسته های اقتصادی خود رسیدند، موفق شده اند، نه اینطور نیست. رفقای کارگر باید بدانند تا زمانی که سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در کشور ما حاکم است و تا زمانی که ارتش و سپاه پاسداران پلیس حافظ نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم هستند، هیچگاه به حقوق واقعی خود که همان آزادی از قید و بند های سرمایه چینی است، نخواهند رسید و همواره رژیم جمهوری اسلامی با چماق خود یعنی سپاه پاسداران و ارتش، آنان را سرکوب میکند، رفقای کارگر به تجربه در بافتند که تنها با قهر انقلابی می توان به قهر ضد انقلابی امپریالیسم و نوکران آن پاسخ گفت.

www.fardoc.com

## کارخانه چیت سازی به شهر

کارفرمایان خون آشام که خواهان مکی شدن آخرین شمره تلاش کارگران میباشند ابتدا از دادن حق طبقه بندی توسط احمد توکلی توکر رژیم جمهوری اسلامی طفره رفته و با یکسری دوز و کلک ها در این امر توفیق یافتند و سپس از پرداختن حق بازنشستگی و طرح معروف سه ۱۵ روز در سال سر باز زدند، که دومی راهم بالا کشیدند و در مورد بازنشستگی نیز تا حدودی توفیق یافتند، زیرا که از هر ۳۰۰ هزار تومان حق مسلم کارگران پول پرداختی فقط پرداخت ۱۶ هزار تومان تصویب گردیده و اکنون هم قصد دارند ۸ هزار تومان آنرا بپردازند. ولی کارگران بازنشسته زیر بار این یکی نرفته و در ۱۸ فروردین ماه ۱۳۶۰ در محل کارخانه اجتماع کردند. تعداد کارگران حاضر دو بیست و چند نفر از تعداد کل ۷۴۰ نفر بود. خواسته های آنان عبارت بودند از:

- ۱ - عدم تقلیل حق بازنشستگی به ۸ هزار تومان
- ۲ - دادن جای به کارگران و کارمندان
- ۳ - پرداخت پول عیدی
- ۴ - عدم حج آوری اتوبوس رفت و آمد (سرو - بی) کارگران در شهر

مسئولان این کارخانه نیز همانند سایر کارخانه ها به منظور زدیدن شمره تلاش کارگران و عدم پرداخت حقوق مسلم آنان به هر حیل های متوسل میشوند.

اینبار به بررسی وضعیت بازنشستگان خواهیم پرداخت. کارگران این کارخانه که تحت سخت ترین شرایط و قوانین استثماری کارگران از دوران حاکمیت محمدرضا شاه در کارخانه حاکم است و در بدترین شرایط بکار مشغول بودند، اکنون پس از ۳۰ - ۴۰ سال سابقه کار بدون دریافت حتی حداقل مزایا برای بازنشستگی بازنشسته میشوند.

از لحاظ مسکن، کارخانه تعدادی از خانه های مسکونی را به آنها نهاده و بازنشستگی سلب نمائید تا بجای آن افراد حامی خود از جمله بسیجیانی که در کارخانه مشغول کار هستند را بپر کنند که این توطئه آنها با اتحاد کارگران نقش بر آب شد.

گروانی نیز آنقدر به کارگران فشار آورده است که تعدادی از کارگران بازنشسته بعلت ناچیز بودن حقوق ایام بازنشستگی علیرغم تهدید و تصویب قانون مجازات و... دست بفروش بلیتهای کارگری خود زده اند.

ستن دهن کارگران قدری به کارگرها میرسند. کارگرها میخواهند وقتی این ۸ هزار تومان را گرفتند به مراجع شکایت کنند و موضوع طرح طبقه بندی و ۱۵ روز کار در سال را مطرح کنند.

رفیق محاب - خوب این قانون و مرجع که حامی سرمایه داران است هیچوقت از شما حمایت نمیکنند، پس شما نباید فقط به این شکل مبارزه بسنده کنید. حتماً گرسنه به تحصن و... بکشید.

کارگر - خلاصه ما بدکارگرها برسند. در این راسته رفعتگران شهر داری از عمل کارگرها در مقابل مدیرعامل جدید کارخانه که شهر داری است میباشند آنان دل پر خونی از دست وی دارند خیلی خوشحال شدند، که کارگران کارخانه چیت جواب دندان شکنی با و داده بودند.

کارگران مجتمع به طوی دستر کارخانه مراجعه کرده و در رابصرت لگت که کارگزن گشودند. مدیر کارخانه در برابر سوالات کارگران که چرا چنین قوانینی وضع شده از خود سلب مسئولیت نمود. بعد کارگران معترض در باشگاه کارگران جمع شدند و مسئولین سعی در فریب کارگران خشمگین که از ساعت ۸ تا ۱/۵ بعد از ظهر ادامه داشت، نمودند اما موفق نشدند و بالاخره ۱۰ روز مهلت برای پرداخت آن پول باقی مانده خواستند و قرار بر این شد که کارگران روز ۲۸ فروردین در کارخانه جمع شوند.

با یکی از کارگران در مورد حق باز نشستگی گفتگوئی شده که عیناً نقل میگردد.

کارگر - مسلماً ۸ هزار تومان را با ما خواهند داد زیرا کارگرها قدرت خود را به آنها نشان داده اند و آنها حساب خودشان را کرده اند و سخا طر همین برای

### آذرشهر

حق بیمه کارگران چندبیشه ۲۷ درصد شده و بنا بر این پولی که کارگران با بد از این بابت بپردازند از ۱۰ تومان به ۱۴۰ تومان در ماه رسیده است. و جالب توجه است که این افزایش مبلغ را از بدو استخدام (بیمانی) کارگران معنی از مهرماه ۵۸ محاسبه خواهند کرد.

بدنبال صدور بخشنامه مربوط به افزایش حق بیمه کارگران، از آنجا که کارگران مجبورند حق بیمه بیشتری بپردازند، کارگران چندبیشه آذرشهر دفترچه های بیمه خود را پس داده و از چنین با مطلاق مزیتی چشم پوشیدند.

### کارخانه البرز ( ۶۰/۱/۱۸ )

ما را نمیتوانی درک نمایی. سپس یکی دیگر از مسئولین میان کارگران آمد و شروع به صحبت نمود ولی کارگران دیگر فرصت ندادند و با خشم فراوان نسبت به این مسئولان که آنها را به تولید زیاد واداشته بودند و اکنون از پرداخت اضافه دستمزد ظفره میفرستند سوی مدیر حمله ور شده و او را به یاد کتک گرفتند. فردای آنروز در مورد ادا ماه اعتبار بین کارگران بحث در گرفت ولی بعطت عدم اتحاد کافی در بین خود نتوانستند به اعتبار ادا بدهند یا اینحال مسئولین کارخانه از ترس اینکه مسا داکارگران مجدداً تعرض نمایند تصمیم گرفتند که حدود ۳۰۰۰۰ تومان وام بدهد کارگران بدهند و هر ماه ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان از حقوقشان کسر نمایند.

حدود ۲۰۰ نفر از کارگران در تاریخ ۶۰/۱/۱۸ تصمیم گرفتند که جهت دریافت ۲۰ روز اضافه دستمزد دست به اعتصاب بزنند. بدنبال این تصمیم کارگران با لباس کار روانه قسمتهای مربوطه شدند ولی هیچکدام بکار نپرداختند. بزودی مسئولین کارخانه از موضوع مطلع شدند و مدیر کارخانه برای سخنرانی به میان کارگران رفت. یکی از کارگران پرسید: لطفاً بگوئید در ماه حق در حقوق دریافت میکنید؟ مدیر با " شکسته نفسی" گفت: من قبلاً ۲۱ هزار تومان حقوق میگرفتم ولی اکنون ۱۶ هزار تومان میگیرم. ما نرسد این حرف کارگران او را " هو" کردند و گفتند: لازم است حرف تری برای آنکه مشکل

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

رژیم جمهوری اسلامی از درآمدنا چیز  
صیادان نیز نمیگذرد.

و سادر رابطه با آن قرار داشتند میگفتند: دست ما  
خالی دست آنها پر. تا زمانی که ما اسلحه نداریم ما را  
به رگبار خواهند بست.

آری - زحمتکشان میهنمان بدرستی راه مقابله  
با این رژیم وابسته به امپریالیسم را دریافته اند،  
که در مقابل ضدخلق مسلح باید مسلحانه اقدام نمود.

با اصطلاح نماینده مردم شاهی،  
روستائیان جویدار کلاگر محله را فریب داد

یک رفیق روستائی گزارشی از وقایع روستای  
جویدار کلاگر محله برای ما فرستاده است. ما علیرغم  
گذشت مدت زیادی از تاریخ نگارش آن مطلب را درج  
میکنیم و متأسفانه محوریم تغییراتی در سبک نگارش  
و انشاء آن بدهیم.

**خیانت پانصداران انقلاب در جویدار کلاگر محله**

۵۹/۷/۱۷ چند شبی بود که اهالی به مسجد می آمدند و در  
مورد انتخاب نماینده گفتگو میکردند و با لاف و  
را انتخاب کردند. اما شخصی بنام زلف علی توکلی  
که خود از وابستگان علی توکلی زمیندار بزرگ منطقه  
بود گفت که این نماینده بچه است و نمی تواند حرفهای  
ما را در برابر مراجع بالا مطرح کند، که عده ای فریب  
سخنان او را خورده و شخصی بنام حامدی که خود یک  
سرما به دار و از اعضای حزب ضد خلقی جمهوری اسلامی  
است را بعنوان نماینده انتخاب کردند. البته در طی  
آن میان اهالی اختلاف افتاد و عده ای حامدی را به  
عنوان نماینده قبول نداشتند و وی را نماینده  
پانصداران ضد خلقی میدانستند.

۵۹/۷/۱۸ - در این شب پانصداران به خانه های ریخته شده  
و زنان را کتک زدند.

۵۹/۷/۱۹ - اهالی حامدی را به مسجد آورده و در آنجا  
تجمع کردند. سپس علت را جویا شدند که وی پاسخ داد  
" آنان (پانصداران) برای سرکوب ضد انقلاب آمده  
بودند." که اهالی گفتند: "یک سرما به دار نمیتواند  
نماینده بشود، نماینده واقعی ما کسی است که ما نند ما  
در سر زمین کار کرده و عرق بریزد". که درگیری شد و  
حامدی به مقر پانصداران ضد خلقی رفته و شام

طبق قانون ارتجاعی یک رژیم وضع کرده، فروش  
ماهی در بعضی نقاط کیلوئی و در منطقه دیگر بصورت  
معددی صورت میگیرد و این موضوع خود بسیار جدیدی  
برای چابیدن صیادان و ایجاد ضرب و شتم نسبت به  
آنها شده است.

در سندر انزلی ماهی بصورت معددی بفروش می-  
رسد از اینرو ماهیگیران پره سر، رفوا نشهر، هشتپر که  
فروش ماهی در آنجا ها کیلوئی است، برای فروش به  
سندر انزلی میروند. ولی این صیادان در راه دائما  
مورد اذیت و آزار پانصداران قرار میگیرند که آنها  
را بجرم فروش " ماهی قاچاق"!! دستگیر میکنند و از  
قرار کیلوئی سه تومان، ماهی را از آنان بسزور  
میگیرند. صیادان میگویند با این پول قمار  
نستند دام و سایر وسایل صید ماهی را بخرند چه  
رسد به اینکه معاش خود را تا مین کنند.

اظهار نظرهای مردم پره سر  
در رابطه با سواشی پانصداران

پره سر ۶۰/۱/۶

همانطوریکه در خبرنامه شماره ۵۶ راجع به  
درگیری بین مردم پره سر با پانصداران ضد خلقی، به  
اطلاع خوانندگان رسانندیم اکنون در زیر اظهار نظر-  
های مردم پره سر را نسبت به پانصداران میخوانید:  
یکی از مردم میگفت: اگره نفر میان ما  
اسلحه داشت دیگر این وحشیها اینطور ما را خیللی  
راحت به رگبار نمی بستند. پدر شخص محروح میگفت:  
بی شرفها همینطوری می آیند مردم دست خالی را برگذار  
می بندند و فرار میکنند. محروح میگفت: باید با  
آنها مقابله کنیم، که پدرش در جواب گفت: آخر با  
یک تکه چوب که نمیشود جلوی اسلحه ما ند. آنها یک  
دولت پشت سردارند، ما یک اسلحه هم نداریم. ما باید  
مسلح باشیم تا بتوانیم با آنها مبارزه کنیم، اصلا  
قاتل پانصدارا اسلحه است، تو هر چه حرف حق را بزنی  
من میدانم که راست میگوئی ولی آنها که حرف حساب  
سرشان نمیشود. اکثر کماتیکه در این درگیری بودند

**مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش**

وارد کردستان بخصوص دهات بشود. در این رابطه یک روستائی را با ۳ کیلوشکلات بجرم حمل زیاد شکلات وآذوقه برای پینمرگه ها بازداشت وزندانى کرده اند.

سنا به گزارش

سربازان انقلابی

مستقر در میاندوآب :  
آرژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که از ابتدای روی کار آمدن برای زحمتکشان میهنمان جز فقر و بدبختی چیز دیگری به ارمغان نیاورده ، بمناسبت بزرگداشت ۱۲ فروردین ، ۱۲ گلوله توپ ۱۰۵ میلیمتری بسوی روستاهای فقیرنشین کردستان شلیک کردند و جنسده لحظه بعد خانه و کاشانه زحمتکشان وزمینهای آنها را که با عقب مانده ترین وسایل کشت کرده بودند ، به ویرانه های بدل ساخت و چندین زخمی از ناحیه دست و پسا برجای گذاشت .

\* \* \*

۴- پاسا سسنداران مزدور مستقر به سوگلی تپه میاندوآب با پاسداران دیگر پشت کالیبر ۵۰ مسابقه نشانه روی برگزار میکنند. بدین ترتیب که قلب یا مغز هر هگذری که در منطقه گردنشین در تیررس آنها قرار گیرد ، بعنوان خال سیاه سمبل شرط بندی بیشتر - مانه آنها قرار میگیرد .  
این مزدوران بدانند که هیچکدام از این جنا - یتهای بیجواب نمانده و خلق انتقام خون تک تک شهید - آیش را خواهد گرفت .

-----

ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی در  
ادامه سیاست ارتش شاهنشاهی دست به  
بازسازی خود زده و قوانین سابق را دست  
نخورده حفظ کرده است .

مطالبی که در زیر عنوان شده گویای این واقعیت است که سیستم سلسله مراتب با حفظ تعداد سالهای قبلی خدمت؟! ..... محفوظ بوده و افراد ارتقاء مییابند. سرهنگ دومیرغیاشی متولد در دسر که در حمله به مردم کرمان و قتل عام مردم زحمتکش قزوین در روز - های یرشکوه قیام بخصوص به صفوف نفت دست داشت ، در تاریخ اسفند ماه سال ۵۹ ، به درجه سرهنگ تماش می ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی نائل شد .

سرگرد افشارقا سملو که جزو گارد محافظ " شهبانو" به حساب می آمد پس از طی دوره هائی در اسرائیل و آمریکا با هزینه هائی که شاه جنا بتکار برایش از بیت المال خرج کرده بود برای جنگ علیه خلق آماده گشت پس از قیام به ماء موزیت برای کشتار مردم بی دفاع ترکمن صحرا بیرون و بالاخره به پاس این خدمات

پسداران مجددا "بخانه اهالی ریخته و اهالی که از قبیل جریان را میدانستند به سر زمین رفته بودند . اما پاسداران زن را که در خواب بودند بیدار کرده و خانه را برای یافتن اعلامیه تفتیش کردند و برای ترساندن زنان مقام و غیور چند تیر هوائی شلیک کردند .

۵۹/۷/۲۰ - زنان و مردان غیوری که تعداد آنها به ۵۰۰ نفر میرسد برای شکایت به استاننداری ساری رفته و در آنجا تحصن کردند . یکی از سردمداران حزب جمهوری اسلامی بنام فکوری به استاننداری آمدولی مردم سا سوال وجوابهای خود آنچنان فکوری را رسوا کردند که او از استاننداری رفت و دیگر برگشت و مردم بدون اخذ نتیجه به "جویبار" برگشتند .

۵۹/۷/۲۱ با زهم جمعیتی که اینبار تعدادشان کمتر از ۱۰۰۰ نفر نبود در استاننداری گرد آمد . اینبار شیرازیان با اصطلاح نماینده مردم شاهی در آنجا بود و در پاسخ اهالی گفت : " من کار شما را درست میکنم ..... شما به روستای خود برگردید ."

از آن تاریخ تا کنون اهالی منتظرند ببینند ایشان چکار خواهند کرد (!!)

-----

یک رفیق هوادار  
جریکهای فدائی خلق ایران  
که هم اکنون سرباز وظیفه درسندج می -  
باشد اطلاعات خود را برای ما ارسال داشته که ما  
آنها را با جزئی تغییراتی در انشای آن چاپ میکنیم

پاسداران به علت شناسائی نیروهای انقلابی و پینمرگه ها از لباس سربازی استفاده میکنند (زیرا که سربازان وظیفه در بین مردم احترام خاصی دارم - باشند) این امر موجب اعتراض شدید سربازان گشت ، بسیاری از سربازان وظیفه ۵۶ را به بهانه جنگ با عراق به کردستان آورده اند . این امر باعث اعتراض سربازان وظیفه گشته ، لذا آنها را تهدید به دادگاه صحرائی نموده و هر بار عده ای را بزندان می - اندازند .

اضافه حقوق افسران روزانه ۲۶۰ تومان ، اضافه حقوق درجه داران روزانه ۱۸۸ تومان است .  
هنگامیکه سرکوبگران به دهات برای تفتیش میروند هر چیزی که جلوی دستشان باشد مانند دارو ، وسائل خوراکی و پوشاکی و وسائل خواب را با خود می ببرند .

در پاکسازی وقتی که موفق به دستگیر کردن پینمرگه ها نمیشوند ، خانواده های آنها را با خود برده و مورد آزار و اذیت قرار میدهند .

در طی نامه محرمانه ای برای فرماندهان گفته اند که هیچگونه آذوقه اضافی مخرا " دارونیا بد



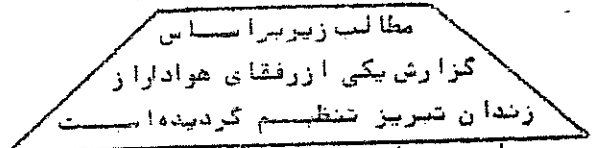
نی قیمت!..... در رژیم جمهوری اسلامی به درجه سرهنگ ۲ ارتقاء می یابد و اکنون نیز برای خیانت و فریب در جبهه جنگ است.

\*\*\*\*\*

**یادگان انقلاب گروهان ۲۵ گردان ۷**

یک روز صبح سربازان در پی اعتراض به عدم دریافت جیره نفت و جای از آسایشگاه بیرون نیا آمدند. ابتدا فرمانده گروهان و سپس فرمانده گردان آمد و داوریا دکشید که همه شما را زندانی میکنم. برادر - ان مادر جنگ هستند و در سرما نه غذایی و نه لباسی و شما می خواهید در جای گرم بخوابید". متاء مفا نه بعطت نداشتن اتحاد سربازان مجبور به ترک آسایشگاه شدند.

\*\*\*\*\*



در این زندان، زندانیان تحت شکنجه روحی قرار دارند. بعنوان نمونه: افرادی هستند که ۶ ماه بدون تکلیف در زندان بسر میبرند. بطور کلی در مورد زندانیان بلا تکلیف، مزه های گوناگونی سرمیدهند گاه از اعدام آنها و گاه از آزادیشان سخن میگویند و بطور کلی سعی میکنند در انتظاری مبهم آنها را بسر جای بگذارند.

از ورود روزنامه به زندان "شدیدا" جلوگیری می کنند و فقط بندرت اجازه خرید روزنامه کیهان، اطلاعات و پیا جمهوری اسلامی را میدهند.

از لحاظ بهداشت و دکترین وضع بسیار بد است. فقط هفته ای یکبار میتوان به بهداشتی مراجعه کرد و آنجا نیز دارو و دکتر خوب نیست.

وضع غذا نیز شباهت به وضعیت بهداشت دارد. هرگونه اعتراض نسبت به غذا، حمام و..... بی آمدن به سلول مجرد را دارد.

حدود ۱۰ تن اکثریتی در زندان هستند که در نقش جاسوس حکومت و خرجین فعالیت میکنند و بر علیه نیروهای مبارز گزارش رد میکنند.

\*\*\*\*\*

**خمسرو شهر (۶۰/۱/۱)**

۱۰ ساعت ۱۵ عصر روز ۵ شنبه جوان ۲۵ ساله ای بنام حسین نوری بخاطر اعتراض به تیراندازی هوآشی پاسداران توسط یکی از پاسداران مزدور به رگبار بسته شد. در این گیرودار مردم سرسیدند، سه تن از آنها با جیب لندرو از جنگ مردم گریختند ۲۰ تن باقی مانده یعنی پاسداران قاتل و یک تن دیگر که نتوانسته بود فرار کند خودشان را به ماشین پلیس رسانده و بزور اسلحه از او خواستند که حرکت نکند.

رسانده و بزور اسلحه از او خواستند که حرکت نکند. در این اثناء مردم ماشین را محاصره کرده و با سنگ و چوب شیشه های ماشین را خرد نمودند و ما نسج حرکت شدند. پاسدار قاتل با گشودن رگبار هوآشی موفق به فرار شد، ولی دیگری را مردم به قصد کشتن کتک زدند که به حالت بیوشی افتاد.

بعد از این واقعه مردمی که از اعمال ضد خلقی این مزدوران بخش آمده بودند، با خشم و غضب از پاسداران ضد خلقی یاد میکردند. از کشتار و حشانه آنان در کردستان صحبت کرده و در عوض مبارزات خلق رزمنده کرد راستایش میکردند. آنان می گفتند: " خسرو شهر شد کردستان " این جا را کردستان میکنیم "

و با میگفتند: " بعد از این دیگر پاسدار کشی شروع میشود و هیچ پاسداری جرئت نمی کند که پایش را به اینجا بگذارد "

باید گفت بعد از گذشت یکروز از این ماجرا افراد بسیج چندان در انتظار مردم ظاهر نمی شدند و تاکنون، ۶۰/۱/۶ هیچ کس به " ستاد بسیج " رفت و آمدی نمی کند، و این ستاد به حالت تعطیل در آمده است.

\*\*\*

۳- در تاریخ ۶ فروردین حدود ساعت ۱۱ شب پاسداران ضد خلقی حکومت جمهوری اسلامی به قصد دستگیری کسانی که در روز اول فروردین یکی از پاسداران را ضرب کرده بودند - یک محلها را محاصره خویش در آورده و با استفاده از شیوه های ساواک به خانه های مردم هجوم بردند و با تهدید مانع خروج مردم از خانه هایشان شدند.

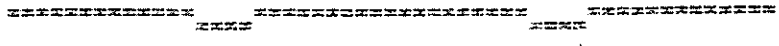
در این یورش و حشانه مادر یکی از دستگیر شدگان شوکه شد. بطوریکه تا مدتی قدرت تکلمش را از دست داده بود. بطور کلی در این یورش دهمنشانسه نفر دستگیر شدند.

\*\*\*

۳-

جمعه ۷ فروردین حدود ساعت ۱۰ شب پاسداران ضد خلقی شهر را به کنترل خود در آوردند و به منظور دستگیری افراد شناخته شده شروع به گشت زنی برداشتند و در حین گشت زحمتگشایی را که خسته از محراباز می گشتند به سؤال می کشیدند و آنها را تهدید میکردند که اگر شب بیرون بیایند به تلافی کتک زدن یکی از پاسداران دمار از روزگارشان در خواهند آورد.

آری حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی که در مریک | خیزش مسلح خویش تحت رهبری بیروستارها پایتخت  
 محتومش این چنین به اذیت و آزار رحمتکشان می-زندگی امپریالیسم و نظامی سگهای زنجیریستش را  
 بردارد، باید نداند. دیرنسیست روزی که خلق بسا اعلام کنند.



حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی به منظور رتحتکیم بایه های بوسنده خویش از حقایق بدستان آریا مهری  
 استفاده میکنند.

عبدالحمید قزلی ( معروف به حمید ) آخوند رستاخیزی و ساواکی ( نماینده کانون ۱۰۱۱ - گومیشان )  
 دیروز حاکم شرع و عضو شورای اسلامی امروز است .

این فرد کثیف به همراه همبالمکی هایش از حمله غفور آخوند و آناتقلیح سخی و حاشای خود فروخته دیگر  
 هم اکنون در خدمت رژیم و استه جمهوری اسلامی می باشند. این فرد به همراه دیگر شاه پرستان و طرفداران  
 قانون اساسی شاهنشاهی تنها چند روز قبل از قسام ۲۲ بهمن به صف انقلابیون تظاهرکننده با حقایق و جاسو  
 حمله میکرد، استک در رژیم جمهوری اسلامی بعنوان حاکم شرع دادگاه اسلامی گمش تپه و حومه ، یکی از سئو  
 - لان جهاد سازندگی و عضو شورای اسلامی بوده و به همراه دیگر هکارانش به شکار فرزندان انقلابی خلق و ضرب  
 و جعل مبارزین منطقه مشغول هستند .

سند ریرگوبای این مسئله است که رژیم ضد خلقی از هکسانی برای ایجاد توپرو و خفگان استفاده میکند:

(( قسم نامه ))

(( در پیشگاه خداوند بزرگ و بنام نامی اعلی حضرت همایون محمدرضا پهلوی آریا مهر شاهنشاهی ایران  
 من عبدالحمید قزلی که اصول جاودان نظام شاهنشاهی و قانون اساسی و انقلاب شاه را باور دارم  
 و در برابر ملت بزرگ ایران به کتاب مقدس آسمانی خود سوگند یاد میکنم که عضوان و مدعیان  
 استواری پایه های شاهنشاهی دودمان پهلوی و قانون اساسی و موازین شاهنشاهی و ملت را در استواری  
 و استقامت ملت ایران با فضیلت و بی‌هیزگاری کوشش و جاهد میشوم تا به سرانجام  
 یاری دهد ))

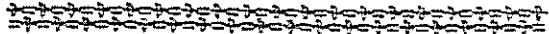
عبدالحمید قزلی  
 نماینده کانون ۱۰۱۱

(( قسم نامه ))

(( در پیشگاه خداوند بزرگ و بنام نامی اعلی حضرت همایون محمدرضا پهلوی آریا مهر شاهنشاهی ایران  
 من عبدالحمید قزلی که اصول جاودان نظام شاهنشاهی ، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت را باور دارم  
 در برابر ملت بزرگ ایران به کتاب مقدس آسمانی خود سوگند یاد میکنم که همواره در استواری پایه های  
 شاهنشاهی دودمان پهلوی و قانون اساسی و انتخاب شاه و ملت در حزب رستاخیزی ملت ایران با فضیلت و بی‌هیز  
 - کاری کوشش و محاهدت کنم تا سده بزده ان پاک مر یاری دهد . ))

امضاء عبدالحمید قزلی

نماینده کانون ۱۰۱۱ گومیشان



۵ آذرشهبی (۵۹/۱۲/۲۹)

که جزو دستگیرشدگان بود به سراننده ضربدای زدوبقیه به قصد خلع سلاح یا سداردیگر درگیر میشوند. در این هنگام ماشین به یک تیرسوق اماست نموده و بجهه ها زخمی میگرددند که یکی از آنها با یک پاسدار به بیمارستان شهر برده می شوند ولی بیمارستان از پذیرفتن آنها امتناع میکند و آنها را به لاهیجان منتقل میکنند. مبارزین دیگر موفق به فرار میگردند.



۳- ۵۹/۱۲/۱۸ - هواداران نیروهای سیاسی جلوی ساختمان هیاتسازندگی جمع شده و دست بفروش نثریات خود زدند. مسئول "هیاتسازندگی" نیز شروع به گرفتن عکس از آنها کرد ولی مبارزین جلوی او را با پرتاب سنگ و جوب گرفتند. در این رابطه فالانژها برای کمک سررسیده و صحنه درگیری با دادن شعار - هائی جون؛ "بهشتی جماعت را مرگت فرارسیده" - مرگ بر حاکماتار" - اتحاد، مبارزه، پیروزی" - و پرتاب سنگ بسوی مزدوران ادامه می یابد. در این بین یکی از افراد اکثریت که به حمایت از فالانژها وارد شده بود، مورد حمله نیروهای متری قرار گرفته و با شعار "مرگ بر سازشکار"، "سازشکار، ارتجاع بیوندتان مبارک" از صفوف انقلابیون رانده میشود. در ادامه سپاه پاسداران قداره کش نیز به کمک آمده و با تیراندازی شدیدی که منجر به تیر خوردن یک نفر و دستگیری ده تن شد، مردم را متفرق کردند. در پی این قضیه مردم بعنوان اعتراض منازعه های خود را بستند و از جوار خود از حاکمیت ضد خلقی را اعلام کردند. مزدوران کار خود را با خانه گردی بد منظور دستگیری انقلابیون ادامه دادند و مردم نیز با برخوردهای لفظی با آنها مقابله نمودند.



۶ انگرود ۱:

۶۰/۱/۷ - عمده زیادی از مردم که برای گرفتن نفت شب را در کنار پیت های خود بسر کرده بودند. پس از ساعت ها معطلی مسئولین شعبه به آنها اعلام کردند: حیره نفت عقب افتاده رانمی دهند و فقط بهرکس ۲۵ لیتر نفت داده خواهد شد. مردمی که شب تا سحر راه امید نفت سپری کرده بودند، بخشم آمده و هرکس به نحوی خشم و انزجار خود را نسبت به حاکمیت ابراز میداشت. مردی می گفت: من قهوه خانه دارم از پی نفتی ۵ روز است که دکاتم را باز نکرده ام قبل از ۵ روز با ذغال آتش روشن میکردم، زغال هم در کار نیست حالا من چکار کنم، گفتند که ۲۵ لیتر نفت بیشتر نمی دهیم. من ۱۲۵ لیتر نفت طلبکارم، ۲۵ لیتر برای من حد میکند خانواده

۱- در ساعت حدود ۱۰ شب، ۲ نفر پاسدار موتور سوار به کارگاه طرح ضربتی آذرشهبی وارد شده و یک نفر را مورد با زجوشی قرار میدهند و میگویند تو دور تریق دیگر همکار ما را زیر گرفته اید. پس از جروسخت پاسداران مراجعت میکنند و چند دقیقه بعد دستگاہا تو میسل (یک مینی بوس، ۲ عدد پیکان) پرا پاسدار وارد محوطه شده و شروع بد تیراندازی میکنند و از حاضرین در محوطه می خواهند بیرون بیایند. پس از تیراندازی مجدد پاسداران، افراد مذکور از محوطه خارج شده و پاسداران دو نفر را پس از مشروب کردن با خود میبرند. این دو نفر مجدداً "آزاد میشوند و در پی یافتن علت وحشی گری پاسداران به کمیته میروند ولی هنوز نتوانسته اند جواب قانع کننده ای بدست آورند.



(۶۰/۱/۱۶)

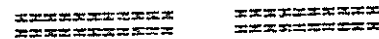
۲- در این روز تا کسیرانان به منظور اعتراضی به حیره بنزین که از قرار روزی ۲۵ لیتر میباشد، دست از کار کشیده و به بخشداری مراجعه نمودند. در بخشداری با ۲۵ لیتر در روز موافقت شد ولی آنان خواستار ۳۰ لیتر در روز بودند. فردای آنروز نیز با ادامه یافتن و سی نتیجه مانسد.

۶۰/۱/۱۹ - در جلسه ستاد دنا ۴ مین استان تصمیم گرفته شد که به کلیه تا کسیرانان استان روزانه مقدار ۳۰ لیتر بنزین داده شود.



۶۰/۱/۱۴ انفولی

در مورخه ۶۰/۱/۱۴، پاسداران حاکمیت امیر - یالیستی در مدخل ورودی دهکده ساحلی مبادرت به با زرسی ماشینهای مردم نمودند، از اتومبیلی یک ماهی بعنوان " ماهی حرام و قاچاق " گرفته و تصمیم داشتند که راننده و صاحب ماهی را توقیف کنند که با عکس العمل مردم مواجه شدند، در این بین بد زور اسلحه چند نفر توسط پاسداران ضد خلقی دستگیر شدند، همچنین یک نفر دیگر را هم بجرم نگهداری روغن ماشین در شیشه مشروب دستگیر کردند.



سیاهکل

۱- ۵۹/۱۲/۱۷ - پاسداران مزدور پس از رسیدن جلوی کتابفروشی محاهدین یک تیر هوائی به نشانه ابراز قدرت در می کنند و وارد کتابفروشی شده و سه نفر را دستگیر میکنند و یکی از هواداران را که به قهوه خانه رفته بود دستگیری نمایند. دستگیرشدگان در پشت و دو پاسدار نیز در جلوی ماشین میباشند. دختری

**حمله یاسداران به کتابخانه عمومی مارتیک**

پهروز پس از قیام ۲۲ بهمن کسانی که مخالفان داشناکیا ( ارتجاعیون حاکم سرخالی ارمنی ) بودند دست به تاعسیس یک تشکیلات جدید به نام " کانون فرهنگی ارمنی " زدند که مبارزه مجامعی را علیه داشناکیا ادامه میدهد. این کانون به مسایلی صنفی - سیاسی توجهها رسیدگی کرده و در جهت خواستههای آنها گام برمی داشت و یکی از کارهای آن نیز جمع آوری کتابهای انقلابی ارمنی از گوشه و کنار بود که کتابخانه عمومی مارتیک را بنیانگذاری کردند.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۶ تعدادی فدای قداره بند ( حدود ۴ - ۲ نفر ) به بیانه واری کتابخانه وارد شده و پس از تاراج کتابهای کتابخانه و شکستن شیشههای آن ، لیست اسامی اعضاء کتابخانه را برداشته و صندوق کمکیهای مالی را همراه نشریه ارمنی زبان " نور خوسک " بمعنی " حرف تازه " را پاره کرده و به رودخانه نزدیک محل کتابخانه ریختند و با تیراندازی هوایی سعی در ایجاد محیط ترس کردند و بالاخره سه تن از مسئولان کتابخانه را نیز دستگیر کرده و همراه بردند. این عمل پاسداران مزدور خشم و نفرت تودههای زحمتکش ارمنی را برانگیخت بطوریکه تصمیم به کمک مجدد برای احیاء کتابخانه گرفتند. متاع سفاهت جریانات انحرافی از جمله اکثریت در کانون نفوذ کرده و آن راتحت تاعسیس خود قرار داده و به سازش با حاکمیت گشاده است و شاهد این قضیه یک اطلاعیه از جانب کانون مبنی بر درخواست کمک از خمینی برای رسیدگی به امور کتابخانه و ... میباشد.

من چه بخورند، از کجا پول در بیاورم . این فقط یک گوشه ناچیز از زندگی مردم و ظمنان است ، که باید در صفاهای طویل بایستند و زیر بار گرانی، بیکاری و فقر کمیشان خم شود ، تا حاکمیت ضد خلقی سبترین هزینهها را برای تقویت ابزارهای سرکوب خویش بکار برد و سرمایه داران وابسته حیبهای خود را از غارت دسترنج زحمتکشان بربکنند.

\*\*\*

۲: ۶۵/۱/۱۶ - به دنبال بسته شدن درنفت فروشی اعتراض مردمی که برای گرفتن نفت آمده بودند بلند شد. یکی از پاسداران مزدور گفت: " اینها صحنه سازی است یک عده میخواهند از این صفاها استفاده سیاسی کرده و لنگرود را مانند لاهیجان درست کنند. " فردی از داخل جمعیت فریاد زد:

" فاجعه لاهیجان کار خودتان هست " و در این هنگام بین مردم و پاسداران درگیری رخ داد مردم یک پاسدار را محکم به کسرکوه مغازه نفت کوبیدند و به قصد دست یافتن به نفت کسرکوه را پاره کردند اما موفق نشده و پس از مدتی بحث و جدل با پاسداران از مهلکه گریختند.

\*\*\*

۳: ۶۵/۱/۱۲ - در این روز تراکتی از طرف پاسداران چریکهای فدائی خلق ایران در چهار راه علی آباد نصب شد. هنگام غروب ارادل و اوپاش به قصد پاره کردن تراکت سر رسیدند. رفقا جلوی آنها را گرفته و به بحث پرداختند. در این موقع کارگرانی که از کار برمی گشتند به پشتیبانی از رفقا وارد بحث شدند مزدوران که از این حمایت به خشم آمده بودند ، کوشیدند با وارد آوردن اتهام به کارگران آنها را بی طرف نگه دارند. و گفتند:

مکتب ما دستور داده تراکتها را پاره کنیم رفقا خود تراکت را از دیوار کنسده و شروع به خواندن آن برای کارگران نمودند که با حمله یکی از ارادل تراکت پاره شد. پس از آن جمعیت با دادن شعار علیه رژیم و عمالش متفرق شدند.

دبانه و تقاضای توده ها در محلات و مناطق این محلات با دیکر محلات شهر علیه رژیم وابسته جمهوری اسلامی باندهای سیاه سرکوب را از موضع تهاجمی خواهد انداخت.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر

۹. هشتم - "مجمع آموزشی طالبانی"

۶۰/۱/۱۷ - در این روز حدود ۲۵۰ نفر شامل دانش آموزان کلامی چهارم بازرگانی و حسابداری در اعتراض به درس تحمیلی تعلیمات دینی از دادن امتحان خودداری کرده و جلسه را ترک گفتند و مصمم شدند که بعد از این هر چه را که غیر ضروری تشخیص دادند زیر بار نرفته و اعتراض کنند.



سیاهکلی دبیرستان مشیر

۶۰/۱/۱۷ - در حدود ۸۰ تن از دانش آموزان سال



چهارم نظری برای اعتراض به تصمیم آموزش و پرورش منطقه مسنی بر امتحان ورودی قسلاً از راه یابی به جلسه ، دست به یک راهپیمایی به طرف اداره آموزش و پرورش زدند و در آنجا تحصن کردند کد با فحش و سازای رئیس آموزش و پرورش روبرو شدند ولی دانش آموزان از خواسته های خود دست برنداشتند و شعار دادند : " امتحان ورودی - منحل باید گردد " ، توهین به دانش آموزان افشاء باید گردد " فعلاً" از دنبال قضیه اطلاعی در دست نداریم .

جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن - مشهد، هوادار جریکهای فدائی خلق ایران اعلامیه ای تحت عنوان " یسور به دانشگاه، ارتجاع را رسواتر ساعت " در تاریخ ۶۰/۱/۲۷ ، انتشار داده اند. قسمتی از اعلامیه را میخوانیم :

"..... دانشگاه به عنوان مرکز اشاعه آگاهی و محلی که توده ها بعد از جریان قیام بیش از هر محلی به آن روی آورده بودند برای رژیم قابل تحمل نبود و می بایست که در آنرا مپروموم میکردند، چنین امری از سوی رژیم جمهوری اسلامی وابسته با میریالیسم کاملاً طبیعی بود چرا که افشاءگری مداوم نیروهای انقلابی باعث میشد تا توهن توده ها روز بروز نسبت به رژیم و خصوصاً " جنایاتش در کردستان بیشتر دریده شود و توده ها آگاهی بیشتری کسب کنند و رژیم که دشمن آگاهی زحمتکشان است بر طبق ماهیت ضد خلقی اش باید که چنین مباد .

..... هدف رژیم از تمامی این اعمال تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته و بسط سلطه امپریالیسم است. اما با این همه سردمداران رژیم ضد خلقی هرگز قادر نخواهند بود که به امیال پلید خود دست یابند.....

رفقای دانش آموز و دانش آموزان انقلابی !

بکوشیم تا در شرایط حساس کنونی مدارس را به سنگری علیه سیاستهای ضد خلقی رژیم تبدیل کنیم و با افشاءگری همه جانبه صفوف خود را از سازشکاران پاک نمائیم . متحد و پرتوان در یاری رساندن به جنبش انقلابی گامی عملی برداریم تا بدینوسیله رسالت انقلابی خود را در بگور سپردن امپریالیسم و گهای زنجیرش به سرانجام رسانیم .



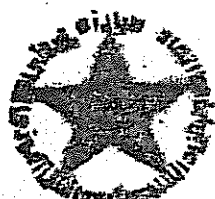
هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - مشهد، بمناسبت سالگرد وقایع دانشگاه اعلامیه ای را تحت عنوان " گرامی باد خاطره شهیدای وقایع دانشگاه " در تاریخ ۶۰/۱/۲۸ ، انتشار داده اند. قسمتی از اعلامیه را میخوانیم :

"..... رژیم جمهوری اسلامی با یخاک و خون کشیدن دانشگاهها و قتل عام و ترور این فرزندان انقلاب بی و آگاه خلق صفحه سنگین دیگری بر کارنامه حکومتی خود افزود و ماهیت ارتجاعی خود را هر چه روشنتر بنمایش گذاشت.....

رژیم جمهوری اسلامی که تاء شیر دانشگاهها را بعنوان یکی از اصلی ترین مراکز تجمع روشنفکران انقلابی ، مرکز اشاعه آگاهی و افشاکری عملکردهای ضد خلقی حاکمیت و هدایت مبارزه انقلابی خلقهای ایران بدرستی دریافته بود، درصدد برآمد تا با یخاک و خون کشیدن دانشگاهها و بستن درهای آن ( هر چند به مدت محدود ) ، بین جنبش دانشجویی و جنبش انقلابی خلقهای ایران سدی ایجاد نماید. رژیم از قبل بفکر بستن در دانشگاه می افتد و می بینیم در همان اوایل با افشاکری که در مورد دکتر حسن آبت شتورسین

حزب جمهوری اسلامی و این مهره سرسپرده به امپریالیسم شد. در آنجا این مهره کثیف بروشنی نویسد بسته شدن در دانشگاهها را می دهد و چنین میگوید: " به بچه ها بگوئید ( منظور دانشجویان انجمن اسلام می که در تبریز دانشگاه را در اشغال خود دارند) قرص و محکم باشند. بزودی موج عوض میشود. به بچه ها بگوئید که قرص و محکم باشند و ترس نداشته باشند. تصمیمی گرفته شده لایتنر، تفییرنا پذیر است. دانشگاهها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل میشود و بعداً برنامه ای خواهیم داشت " و با درحای دیگری به مخاطب میگوید: " مطمئن باشید که نقشه آماده است و اصلاً زیرو رو میشود. تمام مسائل و غیر از مسائلی که شما فکر میکنید میشود. از ۱۴ خرداد مطلقاً نه امتحانی خواهد شد، نه دانشگاهی باز خواهد بود. دانشگاه تعطیل خواهد شد. " این نقشه ها و این حیلها نشان دهنده آن است که رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری اسلامی از قبل ب فکر طرح نقشه عوامفریبانه با اصطلاح انقلاب فرهنگی و بستن در دانشگاهها افتاده بود. بیجهت نبود که بنی صدر مکار بعد از با اصطلاح تسخیر دانشگاه سرسنگفرش خونین آن رجز خوانی نموده و سخن از قاطعیت و ولادت حاکمیت دولت بمیان آورد و یا خمینی " خطر " دانشگاه را بالاتر از خطر بمسب خوشه ای قلمداد نمود. آری آگاهی توده ها و اعتلاء جنبشهای انقلابی همواره برای حاکمین ضد خلقی خطری جدی بشمار میرود. ولی حاکمین وقت این نکته را در نیافتند که گردش چرخهای تاریخ همواره بسود زحمتکشان است. ما دیدیم که چگونه حمله بد دانشگاه و سرکوب و ترور دانشجویان و استادان انقلابی خود به عاملی در جهت روشنگری هر چه بیشتر ذهن توده ها و افشاء ماهیت ضد خلقی هئیت حاکمه تبدیل گشت. دیدیم که چگونه آنها بی که در مقابل حمله او یا شان و قداره بنندان و یاساران امپریالیسم پاپس میکشیدند و مودیان به در جهت درهم شکستن صفوف متحد دانشجویان عمل مینمودند و ندا در میدادند که " ارتجاع را نباید تحریک کرد " اکنون در آغوش حزب توده خائن آرمیده اند و به آستانبوسی درگاه حاکمیت مشغولند. توده های زحمتکش میهنمان نیز خود این وقایع را دیدند و ماهیت حاکمین ضد خلقی و سازشکاران یاور او را بهتر شناختند. تجلیل باشکوه مردم مبارز مشهد از تشییع جنازه مجاهد و دانشجوی شهید شکور مشکین قام خود نمونه روشنی از رشد آگاهی توده ها و نفرت عمیقشان نسبت به رژیم و شناخت دوستان و دشمنانش میباشد

.....  
 امروز ما شاهد آنیم که دارودسته بنی صدر و شرکاء بخاطر رقابت در جنگ قدرت و تصفیه حساب بسا جناح رقیب یعنی حزب جمهوری اسلامی، ماسک آزادیخواهی و دفاع از بازگشایی دانشگاه برجهت زده و درصدد فریب و تحمیق توده ها عمل مینمایند. ولی آنچه معلوم است اختلاف اینان بر سر تسخیر قدرت سیاسی است. رژیم جمهوری اسلامی در نهایت مجبور بود بخاطر افشاگری نیروهای مترقی و رشد فکری توده ها و اعتلاء جنبش انقلابی، وعده بازگشایی دانشگاه را بدهد. رژیم با شروطیکه در نظر گرفته، در صورت بازگشایی دانشگاه، یقیناً " تصفیه دانشجویان و استادان انقلابی را در سرلوحه برنامه خود قرار خواهد داد. رژیم میخواهد در دانشگاه محیطی را بوجود آورد که دانشجویان از هرگونه فعالیت سیاسی بدور بوده و درصدد رفع نیازهای سیستم سرمایه داری وابسته عمل نماید. ولی زهی خیال باطل! چرا که اگر رژیم شاه توانست از دانشگاه و جنبش دانشجویی، که رهبران جنبش انقلابی را در درون خود پرورده است، چنین محیط مسخ شده و " بی خطر " و دانشجویانی " مطیع " بسازد، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست



دانشجویان و دانش آموزان مبارز!  
 با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی، صغوف دانشجویان و دانش آموزان  
 مبارز میهنمان را هر چه مستحکمتر سازید.

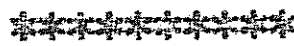
اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت ۵۹ یادآور  
روزهایی است که پدستوردار و دسته‌بندی‌شده  
و حزب جمهوری اسلامی عوامل چپ‌افندست و  
مسلسل‌چپ‌هایشان، دانشگاه این سنگر همیشه  
خروشان آزادی را بخاک و خون کشیدند.  
مرگ بر سرکوبگران خلق!

۱۰:۳۰  
۱۳۶۰-۶۱-۱۳۸  
روزنامه حریکهای فدائی خلق ایران - منتشر



تعدادی از افراد و اوایل معروف شهر از جمله مریدی ،  
بهزادی و طالبان جهت برهم زدن اجتماع به گروهی  
بورش برده و دست به پاره کردن اعلامیه‌ها و دیوار  
کوبی زدند و بالاخره قضیه را طوری وانمود کردند  
که گویا یکی افرادشان کتک خورده است . سپس به  
حاکم شرع جناب نصرتی سعی نمودند جنین جلوه دهند  
که ایشان برای بحث و تبادل نظر آمده‌اند اما با

تعدادی از افراد و اوایل معروف شهر از جمله مریدی ،  
بهزادی و طالبان جهت برهم زدن اجتماع به گروهی  
بورش برده و دست به پاره کردن اعلامیه‌ها و دیوار  
کوبی زدند و بالاخره قضیه را طوری وانمود کردند  
که گویا یکی افرادشان کتک خورده است . سپس به  
حاکم شرع جناب نصرتی سعی نمودند جنین جلوه دهند  
که ایشان برای بحث و تبادل نظر آمده‌اند اما با



مجاور محله قائم شهر نشان داد، هرچه  
منوف توده‌ها یکپارچه و فشرده تر باشد، پاید  
- امان ضد خلق کارآیی شلست مقاومت  
توده‌ها را از دست میدهند.  
حواداران حریکهای فدائی خلق ایران - قائم شهر

تمحیح یک اشتباه  
در خبرنامه شماره ۵۳  
خبری از دبیرستان فاطمه  
امینی درج شده بود که  
نام رئیس آموزش و پرو-  
ش تبریز اشتباهاً  
رفعتی ذکر شده و درست  
آن رفقی است که بدین  
وسيله تمحیح میگردد.

# جلاد خون میریزد      خلق پیام میخیزد

## مردم آگاه و مبارز مازندران!

یادگیر رژیم وابسته امپریالیسم جمهوری اسلامی دیوانه وار سرکوب صفوف پرشور مبارزان را شدت بخشیده است. اکنون پاسداران ضد خلقی و اوباشان خود فروخته یورش خود را به شهرهای مازندران آغاز کرده اند. قائم شهر، آمل و بابل یادگیر عرصه هجوم رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم و نیروهای انقلابی و همچنین عرصه مقاومت انقلابی مردم و نیروهای حامی آنان گشته است. این سرکوب و کشتار در قائم شهر تاکنون ۵ شهید و بیش از صد نفر زخمی بجای گذاشته است.

پس از چند روز درگیری پراکنده در قائم شهر در اول اردیبهشت ماه فرماندار این شهر برای فریب مردم از سازمانهای سیاسی خواست تا با اصطلاح "سرای" پایان دادن به درگیریها "با او وارد مذاکره شوند. اما پس از آنکه بجریان خائن "اکثریت" نیرویی رایشت میزانش ندید از انجمنهای اسلامی محلات یا همان چماقداران و اوباشان خواست تا به "وظیفه مکتبی" خود عمل کنند و بساط گروهها را برچینند. آنگاه یورش آغاز شد. خودفروختگان با حمایت و شرکت فعال سپاه پاسداران وارد عرصه عمل گردیدند. پاسداران ضد خلقی ۳ نو جوان دختر را به رگبار بستند و به شهادت رساندند. در صف مقابل نیز مقاومت مردم و نیروهای انقلابی شکل گرفت. "مجاور مرحله" سه عرصه نبرد خونین بین خلق و ضد خلق بدل شد. فضای قائم شهر آکنده از خشم و نفرت نسبت به رژیم ضد خلقی گردید. صبح بعد در حالیکه "مجاور مرحله" همچنان به مقاومت خود ادامه میداد، حدود ۱۰ هزار نفر از مردم مبارز قائم شهر در مراسم تشییع جنازه شهدای خود شرکت کردند. اما مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که تجمع مردم بوضوح آبرویی برای آنان باقی نگذاشته بود به مردم حمله بردند و جنازه های شهدا را سنگباران کردند. مردم نیز به مقاومت خود ادامه دادند و در حین تشییع جنازه بسه ساختمانهای فرمانداری، مرکز تبلیغات اسلامی، دفتر فدائیان اسلام و... حمل کردند. آنها سرانجام شهدای خود را به خاک سپردند تا خون آنان درخت انقلاب را هر چه بیشتر آساری کند.

مجاور مرحله همچنان مقاومت میکرد و هم اکنون نیز کانون مبارزات چند روزه مردم قائم شهر میباشد. همه زن و مرد، پیر و جوان، کودک و نوجوان، گوشه ای از بار مقاومت را بدوش میکشند. تا امپریالیسم و سگهای زنجیریش را در دریای مقاومت خود به نایبوی کشند. درهای تمامی خانه های محله پرروی نیروی مقاومت است. لاستیکهای سوزان و تلاش یکبارچه مردم در سازمان دادن نیروی مقاومت، چهره های خسته و گرد گرفته اما مصمم آنها هربیننده ای را به یاد روزهای قیام می اندازد. آنها که با تجربه ترند، نیروها را سازمان می دهند، گروهی به رساندن غذا به مبارزان صفا اول درگیری متغولند، گروهی زخمیان را در خانه ها مداوا میکنند و دیگران تدارک می بینند، کودکان و نوجوانانی که نمی توانند مستقیماً "در درگیریها شرکت کنند به جمع آوری سنگ که توده ها بر علیه باندهای سرکوب بکار می گیرند، مشغولند و همه با کمک یکدیگر مقاومت مردم را سازمان میدهند.

وحشیگریهای پاسداران روی ارتش شاهنشاهی را نیز سفید کرده است. آنها در حملات خود به "مجاور مرحله" بی پروا شلیک میکردند، دیگر فرقی نمیکرد که چه کسی هدف گلوله قرار گیرد، زن، مرد، کودک و یا درودیدوار محله. اما همه این وحشیگریها از بستن محله و قطع آب و برق سهمیه مواد سوختی نتوانست و نمی تواند عزم آهنین مردم به مقاومت را بشکند.

همزمان با بورس به قائم شهر، شهرهای آمل و بابل نیز صحنه درگیریهای شدید بین مزدوران حکومتی و نیروهای انقلابی بوده و هست.

از این مقاومت جدی توان آموخت:

صحنه های مقاومت مردم در آتش و خون، اسلحه های مقاومت، همراهی و همدوشی پر شور مردم مبارز با نیروهای انقلابی و همچنین تهاجم مسلحانه و سرکوب خونبار رژیم ضد خلقی، تکیه اساسی به ارگانهای سرکوب و برکبار بستن توده های مردم همه و همه یک نکته را به روشنی نشان میدهد:

برای اینکه مبارزات خلقی ما ادا مکاری داشته باشد و راه بسوی آزادی بگشاید و خود حاکم بر سر - نوشت خویش باشیم، تنها راه درست، مبارزه مسلحانه طولانیست. تنها در پرتو این مبارزه و تشکل توده ها در یک سازمان سیاسی - نظامیست که راه بسوی رهایی از اسارت امپریالیسم و سگهای زنجیریش می برد.

این درس اساسی تمام انقلابیهای رهائی بخش و تجرسان انقلابی خلقی ما است که یادگیر هدايات



می رسد، این درسی است که هر انقلابی صادق که واقعا "سرهاشی خلق خودمی اندیشد، باید آویزه گویی خودسازد.

### مردم مبارزه مازندران!

حکومت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از استبداد روی کار آمدنش جز حفظ منافع امپریالیستیا کاربرد دیگری انجام نداده است. امروز که سازند آگاهی و آوجگری مبارزات شما ما هست رژیم آشکار شده حکام وقت برای حفظ حاکمیت سنگین خود، جاده ای حرس کوب ندارند. آبیاری " دوره تبات و امنیت و حکومت قانون " را در سری پرور " شندتا هر چه بیشتر خدمتگرای خود را در اربابان خود تابت کنند و سرای اشیات این خدمتگزاران قبل از همه باید آگاهی سیروهای خلق را سرکوب کنند. یعنی همانجایی را که با نام " فدائی " و " منافق " به زیر کبار مگیرت. سرکوب سیروهای انقلابی و مبارز جدا از سرکوب مبارزات شما و خواسته های برحقشان نیست. با حمایت فعال از این نیروها مبارزات خود را تداوم بخشیده و امپریالیسم و مزدورانش را در تحقق خواسته هایشان ناکام گذارند.

### هواداران روزمنده : نیروهای انقلابی!

مازندران سوی خون میدهد. رژیم میگوید تا با سرکوب و وسیع نیروهای مردمی حاکمیت امپریالیسم را هر چه بیشتر تحکیم بخشد. هر گام عقب نشینی ما بمعنی تسلیم عرصه ای از مبارزه به رژیم وابسته به امپریالیسم است. مردم شجاع مازندران نشان دادند که دیگر مرتب حاکمیت را نمیخورند و آمادگی مبارزه با او را دارند. با سازمان دادن مقاومت مردمی، در کنار مردم و در پستهای آنها یورش رژیم زده ایم. کوسیم - صفوف خود را در مبارزه متحد کنیم - سازشکاران را طرد و جنبش انقلابی خلق خود را هر چه بیشتر توان تریه پیروزی هدایت کنیم.

روزمنده تهنیدای بحسون حمید خلیلی  
 سرور یاد مبارزات حشهای ایران  
 رنده نامت روزه منجانب کدینا را برسدن بد آراد نسب  
 مرگ سر امپریالیسم و کینای رجحریس  
 الممان به سروری راهمان  
 چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران  
 ۱۳۶۵/۲/۳

تنه های یک خلق مسلح می تواند  
 آزاد زندگی کند

تنهها بار و حیه تنها جمعی و تعرضی  
 می توان علیه بیدادگریهای رژیم به  
 مبارزه پرداخت و سرکوب آنرا خنثی  
 نمود، این را مجاور محله قائم شهر  
 به خوبی نشان داده است.

ش ۲۱ چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران - ۱۳۶۵/۲/۳

## درباره جنبش اول ملوچه

برای کارگران جوامع تحت سلطه امپریالیسم معنی و مفهوم واقعی خود را بتدریج بازمی یابد. از همان ابتدای سراسری شدن جنبش ماه مه، و قبول روز اول ماه مه بعنوان "روز جهانی طبقه کارگر" بورژوازی و انواع رنگارنگ اپورتونیستها کوشیدند تا این روز را از محتوای واقعی و طبقاتی آن تهی سازند. روز اول ماه مه، روز قدرت تمامی طبقه کارگر رزمجواست. روز نشان دادن عزم و اراده انقلابی کارگر - آن برای بیکاری شکست ناپذیر است. این حقایق سرمایه داران را شکنجه میداد. آنها پس از مقاومت طولانی خود برای از بین بردن این روز بعنوان "روز جهانی طبقه کارگر" و قبول شکست خود، کوشیدند تا با استفاده از همه طرق ممکن این روز را به روز استراحت و تفریح تبدیل نمایند. آنها میخواستند محتوای طبقاتی جشن و شادی کارگران را از آن بزدند. کارگران در اول ماه مه، به چه منظور جشن میگیرند و شادی میکنند؟ همانطور که دیدیم نماینده کارگران آمریکا در کنگره انترناسیونال دوم این مسئله را خیلی ساده و روشن تشریح کرد. کارگران ساختاریستهای خود در مبارزه علیه سرمایه داری حتی سگبرند و شادی میکنند. این جشن و شادی حاوی ختم و کینه خاسوز کارگران علیه سرمایه داران و نظام سرمایه داری است. سرمایه داران کوشش میکردند و میکنند تا با مستورنگاه داشتن حقایق نهفته در جنبش اول ماه مه خود را از لیب آتش خشم و نفرت کارگران در امان نگاهدارند.

در این کوشش بورژوازی اپورتونیستهای رنگارنگ و خائن به منافع طبقه کارگر نیز سببمند، اپورتونیستها نیز کوشش میکنند تا بر ندگی ظاهر روز اول ماه مه را کند کنند، و آنرا حداکثر تا حدیک جنبش صفتی کارگران تنزل دهند، آنها نیز کوشش میکنند تا حقایق را از حتم کارگران پنهان نگاهدارند تا اراده منسه گرفتن خشم طبقاتی، نیرو گرفتن عزم و اراده انقلابی و گسترش آگاهی افشانی آنها ضوگرسد.

پس واجب است که درسهای آموزنده و محتوی واقعی جنبش اول ماه مه برای کارگران تشریح شود.

در شرایط میهن ما که اپورتونیستها از هیچ کوششی برای خدمت به نوکران امپریالیسم دریغ نمی - ورزند، ضرورت این امر صدبار بیشتر است. آگاهی بر جنبه های گوناگون جنبش اول ماه مه از جانب طبقه کارگر بمعنای آگاهی به نیروی قدرتمند و برارنده طبقه خویش است و درست همین نکته اساسی است که کارگران ما باید بیاموزند تا بتوانند یک "اول ماه مه" واقعی برگزار کنند. برگزاری اول ماه مه باید تبلوری از آگاهی، سازمان یافتگی و اراده خلل ناپذیر کارگران باشد. کمونیستهای واقعی وظیفه دارند در مقابل این گرایش کثیف توده ایهای خائن و همبالگی هایشان که میخواهند روز اول ماه مه را هم طراز دیگر روزهای تعطیل جلوه دهند و آنرا به فرصتی برای حمام گرفتن، تفریح رفتن، و یا حتی لاابالگیری تبدیل کنند، شدیداً " مبارزه نمایند.

در شرایط کنونی خاطره اول ماه مه، برای کارگران ما خاطره ای بس زنده است. اگر کارگسبران برخی از کشورهای جهان به پشتوانه مبارزه تاریخی طبقه خود اکنون از برخی حقوق اولیه اجتماعی بر - خورد دارند، کارگران میهن ما همچنان در بدترین شرایط ممکن بسر میبرند. دولت ضد خلقی وابسته با میرو - یالیسم جمهوری اسلامی همه نوع فشارها را بر آنها وارد میسازد. قوانین کار، درست بر علیه کارگران تنظیم شده اند. کارگران از آزادی بیان، آزادی قلم محرومند. سردمداران حکومت جمهوری اسلامی بر تمام وعده و وعده های خود پا گذاشتند. کارگران قهرمان شرکت نفت که مبارزه ای دلآورانه بر علیه امپریالیسم ورژیم مزدور شاه انجام دادند و در گسترش مبارزه مردم ما بر علیه امپریالیسم ورژیم مزدور آن سهمی عظیم داشتند، بخواسته خود مبنی بر حضور دوتن ارتماینده کارگران در شورای انقلاب نرسیدند.

فردای روز سرکار آمدن حکام جدید، هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران تحت نام ضد انقلاب سرکوب شد. کارگران مبارز ما از پای نشستند و همچنان به مبارزه خود برای تاء مین شرایط بهتر کار و بعضی خواستهای سیاسی ادامه دادند. رژیم جمهوری اسلامی، همچون سرمایه داران حلالد امریکائی کارگسبران را بارهای بار به گلوله بست. در همین اواخر پاسداران در کارخانه کفش ملی کارگران راه گلوله بستند و باعث مرگ چندین نفر شدند. رژیم جمهوری اسلامی همچون سرمایه داران حلالد امریکائی رهبران آگاه و فعال کارگران راه سهاه " کمونیست" بودن به زندان میافکنند، از کارخانه اخراج میکنند و یا اینکه ترور میکنند. عناصر معترض به رژیم را تحت عنوان " ضد انقلاب" از کارخانه، و یا دیسگر محیط های کارگری بیرون میکنند. رژیم جمهوری اسلامی همچون سرمایه داران حلالد امریکائی که کار -

گران شیگاو را با دسته چاقو داران و ششول بندهای خود میترسانند، درکارخانه توسط عناصر محدود و خود فروخته‌ای که اسم های گوناگونی از قبیل " انجمن اسلامی " و..... روی خود میگذارند کار- گران را زیر کنترل میگیرند و مانع ایجاد رابطه‌های فساد مابین آنها میگردند. رژیم جمهوری اسلامی نیز برای ایجاد جوخفقان و ترسیده ایجاد نیروی ویژه درکارخانه هاست گماشت. رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند سرمایه‌داران جلاد امریکائی بطرق گوناگون از مزدکم کارگران که حتی با حداقل هزینه زندگی برابر نیست، به بیانه‌های مختلف می‌رباید. سرد و ویژه را - که در حقیقت جزئی از دستمزد کارگران بود قطع میکند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون سرمایه‌داران جلاد امریکائی با تمام قوا بر علیه تشکلهای واقعی کارگری مبارزه میکند. و اجازه نمیدهد تا کارگران تشکیلات واقعی بوجود آورند. رژیم جمهوری اسلامی با تمام توان خود کوشید تا شوراهای کارگری را به توراهاای فرمایشی تبدیل کند و از نفوذ نمایندگان واقعی کارگران بدون آنها جلوگیری کند.

همه این حقایق نشان میدهند پس از گذشت قریب به یک قرن از جنبش اول ماه مه، تاجه اندازه کارگران مادچار همان مسائلی هستند که کارگران تیکاگو در ۱۸۸۶، و نشان میدهد که تاجه اندازه روشهای سرمایه‌داران خونخوار در مبارزه بر علیه طبقه کارگر در نقاط مختلف جهان با یکدیگر شباهت دارد.

اما سرمایه‌داران رژیم جمهوری اسلامی این سخن پارسونز رهبر اعدام شده جنبش اول ماه مه را باید آویزه گوش خود کنند.

" سرانجام این شما موشها هستید که نفلد میشوید،  
طبقه کارگر بیروز است "

\*\*\*\*\*

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق بهیبری طبقه کارگر

\*\*\*\*\*

### رفقای هوادار:

با انتخاب مطالبی از اعلامیه‌ها، خیرنامه، جزوات و کتب جریکهای فدائی خلق ایران به بازتکثیر، تهیه تراکت، دیوارکوب ( اوزالیدیا درشت نویسی )، شعارنویسی ( روی دیوار با پارچه‌ای ) و..... بپردازید.  
رفقا: برای انجام این وظیفه مبارزاتی موارد زیر را در نظر داشته باشید: شرایط خاص محلی، وضعیت محیط فعالیتی، روانشناسی توده‌ها، مسائل مورد نظر و مسائل سیاسی مطرح شده در سطح جامعه.

\*\*\*\*\*

رفقای مسئول توزیع خیرنامه

بجای خیرنامه ۳۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان بولی دریافت نکنید.

# گرامی یاد روز جهانی کارگر



## پیش بسوی تشکیل هسته‌های مسلح کارگری

: جریتمهای فدائیی خلق ایران

### 1. MAI

Proletarier aller Länder  
vereinigt euch!

کمیته ریسوردا سوسیالیست ایران - سازمان فدائیی خلق ایران